

# کد

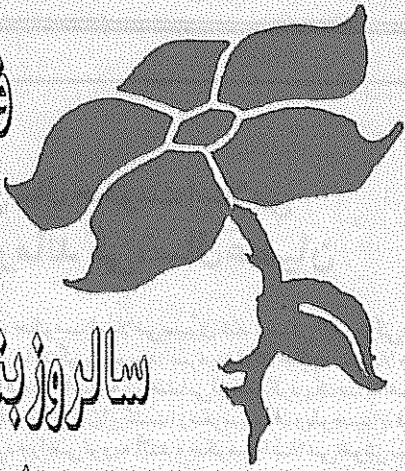
ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
چهارشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۷۳ - ۸ فوریه ۱۹۹۵ - دوره سوم - شماره ۱۰۲  
KAR.No.102 Wednesday 8 Feb 1995

فرخنده باد

۱۹ بهمن

سالروز بنیانگذاری

جنبش فدائیان خلق



در صفحات ویژه ۱۹ بهمن:

پیام شورای مرکزی سازمان بمناسبت ۱۹ بهمن

کشور در بحران فرومی رود، روند همگرایی  
در صف آزاد یخواهان کند است.

سنگری برای آزادی، سنگری برای داد

"کاشفان فروتن شو کران" و شعر دهه پنجاه

جنبش ما چگونه آغاز شد

پس از سه ماه جنجال و تبلیغات دولت در مبارزه با گرانی

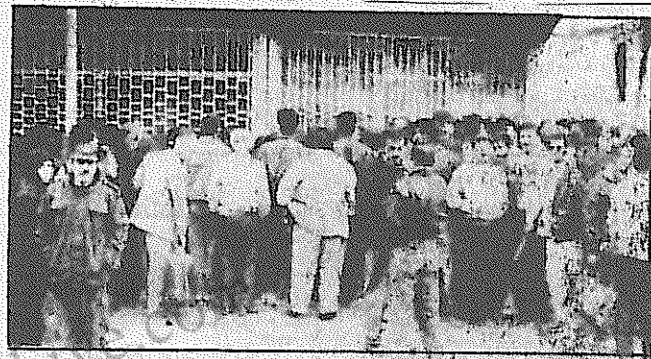
## گرانی در کشور از نومهار کسپخته است

- بهای هر دلار ۳۶۰ تومان و سکه آزادی ۴۸ هزار تومان شد
- نرخ بسیاری از کالا های مصرفی افزایش یافت
- در حالیکه رفسنجانی از قدرت سازندگی و سرعت پیشرفت همه جانبه سخن می گفت، مجلس برای بررسی اوضاع وخیم اقتصادی دوبار جلسه غیر علنی تشکیل داد

می دهد. این وضع بحرانی عینا شامل سکه ی طلا نیز شد. بهای هر سکه بیار آزادی که در روزهای پایانی دی ماه ۳۶ هزار تومان بود، تنها در مدت دو هفته ۱۲ هزار تومان افزایش یافت و به ۴۸ هزار تومان رسید. این تکانه ها در وضع بازار ارز و طلا حکایت از اوضاع شدت نابسامان و وخیم اقتصادی کشور دارد.

این وضع درست هنگامی جریان داشت که هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور اسلامی در جمع بزرگی از روحانیون از "قدرت سازندگی و پیشرفت همه جانبه" سخن می گفت و اطمینان می داد که: "جای هیچ گونه گرانی نیست! هم او هم آن دیگر آخوندهایی که در این جمع حاضر بودند، احتمالا می دانستند می توانستند حدس بزنند که چند صد متر آن طرفتر، در خیابان های فردوسی و منوچهری، در آن ازدحام خرید و فروش ارز و طلا و یاد در صف های طولانی خرید مایحتاج، مردم شاهد گوشه هایی از آن "قدرت سازندگی و سرعت پیشرفت همه جانبه" اند و قه قه به

بایه های ناتوان و لرزان اقتصاد کشور در چند هفته گذشته، تکان های شدیدی را شاهد بود که در نوع خود کم سابقه و حتی بیسابقه به شمار می رفت. ارزش ریال تنها در فاصله دو هفته بیش از ۳۵ درصد سقوط کرد و هر دلار آمریکا به بیش از



ازدحام مردم برای خرید سکه طلا

ادامه در صفحه ۲

## اختلاس در بانک تجارت

- روزنامه سلام: اگر خبرهایی را که می دانیم چاپ کنیم روزنامه را تعطیل می کنند.
- رژیم می خواهد بر دزدی ۱۲۳ میلیارد تومان بانک صادرات سرپوش بگذارد.

فساد مالی و دزدی وابستگان رژیم از دارایی و اموال مملکت چنان بالا گرفته که هر روز پرونده تازه ای برملا می شود و رژیم قادر نیست اختلاس و سوء استفاده های مالی را که توسط مافیای آخوندی صورت می گیرد از چشم مردم پنهان سازد. هفته گذشته گزارش تازه ای از اختلاس در بانک تجارت تهران افشا شد. رقم اختلاس روشن نیست و مطبوعات با استناد به سخنان عامل اختلاس میزان دزدی را ۱۷۰ میلیون ریال اعلام کرده اند. در گزارش روابط عمومی نیروی انتظامی تهران کل مبلغ اختلاس شده در بانک تجارت یک میلیارد ریال اعلام شده است. در اطلاعیه ای که از سوی بانک تجارت انتشار یافت تاکید شد که اختلاس در سال ۷۲

ادامه در صفحه ۳

روزنامه سلام:

دولت می خواست

مارا مسئول ترور

رفسنجانی

قلمداد کند

روزنامه "سلام" که با مسئولیت موسوی خوئینی ها چاپ می شود در ستون ویژه با سخ به خوانندگان در باره روند بررسی پرونده سوء قصد علیه هاشمی رفسنجانی نوشت:

بنابه اطلاع این روزنامه متهم اصلی که اقدام به تیراندازی نموده است، هم چنان در بازداشت به سر می برد ولی سایر دستگیر شدگان همگی آزاد شده اند. یکی از متهمان که آزاد شده است هشت ماه پیش، هنگام دستگیری به شغل روزنامه نگاری اشتغال داشت.

به نوشته "سلام" هشت ماه پیش بلافاصله پس از انتشار خبر سوء قصد علیه رفسنجانی روزنامه نگار مورد نظر توسط وزارت اطلاعات و امنیت دستگیر شد و فلاحتیان وزیر اطلاعات درباره وی گفت: علاوه بر متهم اصلی افراد دیگری هم هستند که به صورت جانبی به اینها کمک می کردند یا امکانات برایشان تهیه

ادامه در صفحه ۳

دیدار بانامینده  
حزب

سوسیال دموکرات

کارگری سوئد

در صفحه ۱۰

## نامه اعتراضی ۵۰۰ خبرنگار

نامه اعتراضی خبرنگاران به مقامات رژیم در جهت طرح خواست های صنفی شان در ردیف نامه چندی پیش نویسنده گان و از زمره حرکت های اعتراضی مردمی است که از مشخصات وضعیت متلاطم اجتماعی در کشور در سال

جاری است. این اقدام نیز همانند سایر اقدامات اعتراضی نشانگر این واقعیت است که اعتراضات مردم علیه رژیم هر چه بیش تراوج می گیرد و خواب مستبدین متحجر حاکم بر ایران را هر شب آشفته تر از شب پیش می سازد.

بنابه گزارشات رسیده بالغ بر ۵۰۰ خبرنگار طی نامه ای مفصل به مقامات رژیم از جمله رهبری سیاسی رژیم، مقامات قضائی، مجلس شورای اسلامی وزارتخانه های ارشاد و کار و معیشت عامل سازمان تامین اجتماعی به شکایت از وضعیت شغلی خود پرداخته، خواهان بهبود شرایط کارشان شده اند.

در بخش هایی از این نامه مفصل آمده است: ما روزنامه نگاران کشور همواره منعکس کننده درد ها، مشکلات و مسائل اجتماعی و خواست ها و نیازهای شاغلان حرفه های مختلف

بوده ایم تا از این راه، مسئولان و تصمیم گیرندگان مملکتی را در حل مسائل و رفع مشکلاتشان یاری دهیم. اینک ما خواهان آنیم که به مسائل و مشکلات خاص این حرفه که متأسفانه در غربت مانده و در عین حال متحمل سنگین ترین فشارهای جسمی و استرس های روحی است، توجه و متناسب با آن تصمیمات مقتضی اتخاذ شود.

روزنامه نگاران خواهان تصویب قوانینی خاص در جهت حمایت از خود شده اند. اخبار رسیده حاکی از آن است که تقریباً نام تمامی روزنامه نگاران کشور بر پای این نامه آمده است.

## تعویق فروش

اورانیوم آلمان به ایران

در پی انتشار شایعه فروش اورانیوم توسط دولت آلمان فدرال به جمهوری اسلامی، سخننگوی وزارت محیط زیست این کشور اعلام داشت که هیچگونه مجوزی برای صدور اورانیوم غنی شده به ایران صادر نشده و انتظار نمی رود که چنین مجوزی صادر شود.

شایعه صدور اورانیوم به ایران در پی هشداری از سوی محیط زیست ایالت هسن آلمان به دولت مرکزی این کشور قوت گرفت. به گفته وزیر محیط زیست ایالت هسن، دولت مرکزی ۸۰ بشکه حاوی اورانیوم به انبارهای موقتی انتقال داده است تا در نخستین فرصت آنها را به تهران بفرستد. وی معتقد است که دولت هلمرت کهل مترصد شرایط مناسب است و در موقعیت مساعد دستور صدور اورانیوم به ایران صادر خواهد شد.

چشم بیست و چهارمین سالگرد

جنبش فدائیان خلق

برنامه های هنری توسط هنرمندان مشهور:

زویا شوان - فرشته - ظروفچی

و گروه رقص های ایرانی

زمان: شنبه ۱ فوریه ۱۹۹۵

محل: آلمان - بن

BEUEL-BRUCKEN FORUM

FRIEDRICH-Breuer-Str 17

یادداشت

شانزدهمین سال حکومت اسلامی  
سال در ماندگی، سال عصیان

شانزدهمین سال حکومت اسلامی سپری شد. سالی که ویژگی آن بیش از هر چیز عجیب و در ماندگی رژیم بود. سردمداران حکومت اسلامی تلاش کردند در دهه فجر کارنامه درخشانی از عملکرد یک ساله خود نشان دهند. هاشمی رفسنجانی در بازگشت از سفر سیستان و بلوچستان فقر زده، مدعی شد که مردم راضی تری به آینده حکومت اسلامی خوش بین هستند.

مردم واقعیت‌ها را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند و می‌دانند که سخنان رئیس‌جمهور ریاضیه است. مردمی که در جنبش فکری و گرانگیزی گرفتارند و یا شکم گرسنه کودکان و سفوف خالی خود رو بر هیئتند، چگونه می‌توانند به آینده جمهوری اسلامی خوش بین باشند؟ آنان به چشم خود شاهد شکست طرح‌ها و برنامه‌های رژیم بوده‌اند و تجربه کرده‌اند که رژیم از ایجاد هرگونه گشایشی در زندگی روزمره آنان در مانده و ناتوان است. طی یک سال اخیر همه برنامه‌هایی که دولت برای برون رفت از بحران اقتصادی و سیاسی به کار بست، با بن بست مواجه شدند و در ماندگی حکومت را تشدید کردند. برنامه ۵ ساله دولت که هدف عمده آن تعدیل اقتصادی، تنظیم قیمت‌ها از طریق مکانیزم عرضه و تقاضا، مبارزه با تورم و گرانی، تک نرخی کردن ارز و جلب سرمایه‌های سرگردان به بخش تولید اعلام شده بود، به دست مجری این برنامه یعنی رفسنجانی مهر در ماندگی خورد و رژیم از سر استیصال به راه‌های حل‌هایی که شکست آن‌ها را یک بار تجربه کرده بود روی آورد.

در سال شانزدهم حکومت جمهوری اسلامی، تورم در ایران به ۷۰ درصد رسید، ارزش پول ملی کاهش یافت، قیمت دلار که در آغاز شانزدهمین سال حکومت ۲۸۰ تومان بود، امروز ۴۰۰ تومان گذشت، نیمی از صنایع نساجی کشور از کار افتاد و نرخ بیکاری به ۵۰ درصد رسید، میزان بدهی‌های خارجی به ۳ میلیارد دلار رسید و ایران در محافل قدرتمند اقتصادی جهان از یک کشور ثروتمند قابل اعتماد به بد حکاری غیر قابل اطمینان بدل درآمد. در سال شانزدهم، مبارزه با گرانی که هم اکنون بی‌ادامی کند و هست و نیست مردم را می‌بلعد، به پاسداران و مامورین تعزیرات حکومتی واگذار گردید و شکست سیاست تعزیرات حکومتی از پیش مقدور بود. در ماندگی رژیم کیفیت تازه‌ای یافت و به شاخص حکومت اسلامی بدل شد.

ناتوانی رژیم در پاسخ به مشکلات مردم ناراضی‌ترین را تشدید کرد و نفرت مردم علیه حکومت فزاینده‌ای یافت. شهرها و دانشگاه‌های کشور به کانون رودرویی مردم با جمهوری اسلامی بدل شدند. در افغانستان، تیر و تیران دهها هزار تن در خیابان‌ها تظاهرات کردند و برای نابودی رژیم شعار دادند. اعتراضات مردم صحنه تازه‌ای از در ماندگی رژیم و چهره سرکوبگرانه و کینه توز را با آزادی و حقوق بشر به نمایش گذاشت. در قزوین پاسداران علیه غم‌گینان خونین نتوانستند تظاهرات مردم سرکوب کنند و جمهوری اسلامی برای فرونشاندن خیزش و عصیان مردم به ارتش متوسل شد. اخبار ترمزد در میان نظامیان قوت بیشتری گرفت و نیروهای ارتش به رژیم بهمانندند که حاضر به اطاعت کورکورانه نیستند. تظاهرات قزوین روحیه تازه‌ای به جنبش داد. در تهران هزاران دانشجویا شعار اتحاد معیاره پیروزی در خیابان‌ها تظاهرات کردند. ۱۳۴۴ تن از نویسندگان داخل کشور با نظرات متفاوت گرد آمدند و برای دفاع از حقوق صنفی خود و آزادی‌های اساسی نامه سرگشاده‌ای انتشار دادند و علیه رژیم تهدیدهای رژیم برخواست خود با فشاری کردند. آیت‌الله منتظری و بازرگان با انتشار نامه‌های سرگشاده و با تاکید بر تباہی ناگزیر آینده جمهوری اسلامی چالش تازه‌ای را آغاز کردند.

رژیم به جای توجه به خواست توده‌ها و روشنفکران جامعه، سانسور مطبوعات و فشار بر نویسندگان را شدت بخشید. نه تنها روزنامه‌ها و مجلات مستقل بلکه روزنامه‌های پیر و حکومت اسلامی نیز هدف پنهان و آشکار تیغ سانسور و فشار حکومت قرار گرفتند. مجلس شورای اسلامی قانون کاربرد سلاح علیه مخالفان را تصویب کرد و نشان داد که برای مردم در برابر رژیم راهی جز شورش و عصیان باقی نمانده است. تظاهرات هفته‌های اخیر و اعتراض صد هزار نفری در استاد بوم آزادی نشان داد که بردیوار هراس شکاف عمیقی افتاده و توان رژیم برای سرکوب مردم در روزهای پایانی شانزدهمین سال حکومت اسلامی محدود تر شده و رژیم قادر به توقف روندی که آغاز شده است، نیست.

توضیح

درباره جشن مرکزی سازمان در آلمان

به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسانیم که ترکیب هنرمندان شرکت کننده در جشن سالگرد سازمان در شهر برن - آلمان که در روز شنبه ۱۱ فوریه جاری برگزار خواهد شد عبارتند از: زویا، شوان، فرشته و ظروفچی. آقای عارف طی یادداشتی به اطلاع مسئول ستاد برگزاری جشن رسانده است که به علت پیش آمدن مشکلاتی امکان اجرای برنامه در روز ۱۱ فوریه میسر نگردد.

مشترک کار شوید!

گرانی در کشور از نو...

ادامه از صفحه ۱

ریش این آقایان می‌خندند. اما همه حکومتی‌ها نتوانستند همچون رفسنجانی خون سرد از کنار مسائل بگذرند و یا چنین مضحک منکر واقعیت شوند. مجلس اسلامی هراسان از وخامت بی‌سابقه اوضاع دوبار جلسه غیرعلنی تشکیل داد و مسئولان امور اقتصادی و بانکی رژیم را به زیر سوال کشید. وزیر اطلاعات حکومت از مردم خواست در برابر مشکلات اقتصادی از خود مقاومت نشان دهند! و نوربخش رئیس بانک مرکزی خبر از سیاست‌های جدید اقتصادی دولت برای کنترل اوضاع داد و مدعی شد که این سیاست‌ها به زودی اعلام خواهد شد. از جمله این سیاست‌ها، یکی نیز آن بود که بانک مرکزی از فرصت افزایش شدید بهای طلا استفاده کرد و مقدار قابل ملاحظه‌ای طلا به قیمت‌های بالا در بازار آزاد به فروش رساند و افزایش مهارنا پذیر قیمت طلا دامن زد. دامنه این سوءاستفاده تا به آنجا بود که صدای مجلس را هم درآورد و گروهی از مجلسیان از بانک مرکزی خواستند که از فروش سکه‌های طلا خودداری کنند. در چند هفته گذشته آنچه که در بازار طلا و ارز جریان داشت، شامل حال مایحتاج و کالا‌های مصرفی مردم نیز شد و بانک مرکزی، یعنی رسمی‌ترین ارگان در این موضوع، نیز اعتراف کرد که بهای برخی اقلام مصرفی و خوراکی افزایش یافته است. در این میان آنچه پیش‌تر نیازمند، سه ماهه مایه و جتال برای مبارزه با گرانی بود.

روزنامه سلام، پس از روزها تعلل، در روز ۶ بهمن با چاپ یادداشتی بر شکست آنچه «مبارزه قاطع با گرانی نامیده می‌شد، مهر تایید زد. سلام در مقدمه‌ای برای این یادداشت که «مبارزه با گرانی در کوتاه مدت و بلندمدت نام دارد، نوشت که این یادداشت در روزهای اول آغاز مبارزه با گرانی نوشته شد، اما مدیریت روزنامه آن را «سانسور» کرد و وعده داد که بعد از چند هفته زمان درج این یادداشت فرا خواهد رسید. سلام نوشت «کنون آن زمان است» و به بیانی دیگر تصریح کرد که اکنون زمان اعلام شکست مبارزه با گرانی است.

در همین روزهایی که اقتصاد درهم شکسته با تکان‌هایی که به تکان‌های بیمار در حال احتضار می‌ماند به خود می‌لرزد، مجلس مشغول بررسی لایحه بودجه سال ۷۴ است. اما بحث‌های مجلس دیگر توجه کسی را جلب نمی‌کند. چون در مجلس از چیزهایی صحبت می‌شود و از آمار و ارقامی سخن می‌رود، که به

ادامه از صفحه ۱

دست به عقب نشینی‌های اجباری و نامتناسب با آنچه که می‌پایست، زد. از سوی دیگر رادیکالیسم مردم که از بی‌توجهی کامل به خواست‌هایشان در دهه‌های متوالی و سترونی ماندن انقلاب مشروطه ناشی می‌شد، بیش از آن بود که رژیم شاه ظرفیت پذیرش آن را داشته باشد. از این رو انقلاب بهمن اجتناب ناپذیر بود و استبداد راه دیگری باقی نگذاشته بود. اما این بدان معنی نیست که روند آن ضرورتاً باید همانگونه پیش می‌رفت که رفت. فعالان سیاسی احزاب و سازمان‌های سیاسی گوناگون در صورتیکه شناخت بیشتری از روند‌ها داشته و هماهنگ عمل می‌کردند، می‌توانستند بر حوادث تأثیرات بزرگی داشته باشند. بر اثر ناتوانی و گجی آنان حاصل آن شد که اصلاح طلبی چون بختیار، که خود شدن کردن‌ها زیر نعلین آخوند‌ها را چون چکمه‌های نظامیان شاه از پیش می‌دید، و همچنین بازرگان که خواهان پاران بود اما با سبیل مواجه شد و روحانیان معتدل و دیگر لیبرال‌های مذهبی و غیرمذهبی و نیروهای آزادی‌خواه و چپ نتوانستند نیروی تلاش خود را یکی کنند و بر دغول استبداد شاهی و شیخی‌ها زلزله در خالی که خمینی و روحانیت طرفداران، جنبش مردم را در جهت منافع خود سمت دادند.

با توجه به همین واقعیت که مردم به گرد کسی چون خمینی جمع شدند، بسیاری از انقلاب بهمن را، انقلاب عقب‌ماندگان علیه پیشرفت و تجدد می‌دانند. شکی نیست که شبه‌مدن رژیم اجباری و عظمت طلبی‌هایی که قصد داشت جامعه را به زور به «دروازه‌های تمدن بزرگ» بتازاند، با مقاومت اقشار و لایه‌های وسیعی از جامعه مواجه بود. این دروغ را خود سردمداران نظام شاهی باور کرده بودند که قادر به چنین کاری هستند، در حالیکه آنان تنها می‌توانستند لایه‌های بسیار ناکی از اقشار فوقانی جامعه را با خود همراه ساخته با جذب تمام عناصر شیوه‌ی زندگی غربی کولونی کوچکی که با اکثریت مردم ایران غریب بود، پدید آورده، آنرا مدارسین به پیشرفت و تجدد دیدانند. این کولونی‌پله‌ای بدور خود تشیده بود و همپیوندی با آن مشکل می‌نمود، اما ضایعات خود را در کل جامعه پخش و آتومسموم می‌نمود، بافت سنتی و در حال گذار جامعه تخریب می‌شد و اقشار ایجاد شده بر اثر رشد این سرمایه‌داری عاریتی و چپا و لگرنیز از ثمرات این تجدد و نوشدن‌ها بی‌بهره مانده، نیروی «مانند محسوب می‌شدند. آنان که خود حاصل رشد سرمایه‌داری نوین در کشور بودند در انقلاب با مقاصد کلان از سنت طلبان شرکت کردند و بیشترین مصائب را بر اثر شکست انقلاب متحمل شدند.

مکتب بر انقلاب بهمن از آنجا که جامعه ما تحولات تازه‌ای را انتظار می‌کشد، ضروری است. تحولات فردای ایران رونوشت طابق اللعل بالئعل انقلاب بهمن نخواهد بود، اما بسیاری از خصوصیات آنرا دارا می‌باشد. چرا که به بخش اعظم مطالبات انقلاب بهمن پاسخ داده نشده است و ۱۶ سال دیکتاتوری رژیم جمهوری اسلامی انبوهی از خواسته‌های تازه را برای مردم ایجاد کرده است. جامعه تشنه‌ی آزادی است، فقر و فاقه بیداد می‌کند، فرهنگ و قوانین قرون وسطایی رسمیت یافته و راه‌های جامعه برای تکامل و توسعه مسدود گشته است. این رژیم نیز مانند رژیم گذشته‌ها می‌خواهد و بنا به ماهیتش اساساً نمی‌تواند به این خواسته‌ها پاسخ مثبت دهد.

در چنین اوضاع و احوالی رژیم هر روز بیشتر در بحران همه‌جانبه‌ای که بدان گرفتار است فرو می‌رود و ندای اعتراض مردم در سال‌های اخیر سارتر گشته است. اعتراضات و شورش‌های متعدد در شهرهای مختلف، عمدتاً در اشکال خشن و قهر آمیز تبار یافته‌اند. این‌ها همگی نگرانی‌آوراند و لزوم آمادگی برای هدایت حرکت فردا را از هم اکنون ایجاب می‌کند. از خصوصیات انقلاب بهمن رادیکالیته شده آن با

ناطق نوری: آدمی نیستم که بگویم  
لیاقت رئیس‌جمهور شدن ندارم!

ناطق نوری، رئیس مجلس شورای اسلامی در میان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی نخستین کسی است که کاندیداتوری وی از هم اکنون برای انتخابات ریاست جمهوری که در سال ۷۴ برگزار می‌شود، مطرح شده است. وی تا زمانی که طرح رفسنجانی برای تغییر قانون اساسی با شکست مواجه شود، حاضر نبود در باره احتمال کاندیداتوری خود سخن بگوید. اما وقتی تیر رفسنجانی برای تغییر قانون اساسی و انتخاب مجدد به سنگ خورد، برنامه تبلیغاتی گسترده‌ای برای جلب آرایه نفع خود آغاز کرد. وی در رابطه با احتمال کاندیداتوری خود به روحانیونی که به دیدارشان رفته بودند گفت: باید منتظر انتخابات مجلس پنجم بود زیرا این انتخابات نقش مستقیم در ریاست جمهوری دارد لیکن باید

هیچ روی با واقعیت‌های موجود خوانایی ندارد. این را حتی برخی نمایندگان حکومتی نیز حس کرده‌اند و آن شور و حال سابق در بررسی لایحه و برنامه‌های اقتصادی دولت را ندارند. اکنون این سوال با قوت بیشتری در برابر همه مطرح می‌شود که وضع چه خواهد شد؟ هیچکس نمی‌داند

که دقیقاً چه خواهد شد، اما همه این را می‌دانند که این وضع دارد به نقطه غیر قابل تحملی می‌رسد. حکومتیان سردرگمند و به تمامی دین بستنی که خود پدید آورده‌اند گرفتار شده‌اند، اما در میان مردم و نیروهای سیاسی جنب و جوش، حرکت، و چاره‌جویی برای نجات کشور از سقوط بیشتر، به عینه فزونی می‌گیرد.

از انقلاب بهمن در مس بگیریم

سرعتی زیاد، کم بودن نقش احزاب سیاسی و حتی روحانیت میوه چین از آن در هدایت روند‌ها بود. خمینی که بیشترین نقش هدایتگر را داشت، خود تا حد زیادی دنیالو رتوده‌ها بود. روحانیت تحت هدایت خمینی در روزهای پایانی قیام بهمن نتوانست از ریختن مردم به خیابان‌ها و قهر آمیز شدن انقلاب پیشگیری کند.

به این تعبیر انقلاب با اشکالی که در اذهان جا گرفته بود تبارز پیدا نکرد. همه ناآماده بودند و همه لحظه را تحلیل کرده، قدم در راهی ناشناخته‌ها می‌گذاشتند. با این تفاسیل اگر فرضاً با دانش و تجربه‌ی امروز در شرایط

انقلاب بهمن قرارداد شتیم چه می‌کردیم؟ آیا همگام با بختیار یا شاه با مذاکره را می‌گشودیم و به آن تاجیز گشایش‌ها را در خارج انقلاب را رضی شده، برای مقابله با استبداد پیش رو، خود را آماج خشم توده‌های می‌ساختیم؟

با اینکه چون بازرگان با امید مهار زیاده‌روی و افراطگرایی مذهبی، به همکاری با خمینی پرداخته، طعن و نفرین را از هر سو خریدار می‌شدیم؟ یا منز طلبانه از هر دو گروه لیبرال «سازشکار» و ایضاً «شورش‌های انقلابی» مردم تبری جست، مجموعه‌ای از نیروهای میانه‌رو را به خواه دموکرات را اعم از ملی و مذهبی و چپ، گرد آورده، مردم را به آرامش دعوت کرده به افشای این و آن ارتجاع می‌پرداختیم؟

و یا آنچنان که کردیم (البته با درک آنروزمان) در قیام مردم شرکت کرده، به خواست‌های رادیکال آنان توجه کرده، به بسیج و سازماندهی پرداخته، آگاهی خود را انتقال داده و آلت‌رناتیوی از نیروهای خواهان تغییرات بنیادی در میان نیروهای ملی و مذهبی و چپ تشکیل داده، در جهت تقویت آن و جلب نیروهای میانه‌رو به آن می‌کوشیدیم؟

پاسخ به این سؤالات راه ما را برای حرکت فردا، حرکتی که بنا به تحلیل بسیاری از آگاهان از نظر زمانی چندان دور نیست، می‌گشاید. مخالفان جمهوری اسلامی بسته به اینکه به سؤالات فوق چگونه پاسخ گویند روحیات و روانشناسی، تحلیل‌ها و سیاست‌های خاصی را نیز ترویج می‌کنند. اینکه تحولات آتی دقیقاً به چه شکل صورت می‌گیرد هنوز برای هیچکس آشکار نیست. چه بسا با زهم تحولاتی بدون آمادگی نیروهای سیاسی صورت گیرد؛ اما آمادگی نیروهای مخالف جمهوری اسلامی شرط لازم برای رسیدن بی‌درده به اهداف عالی‌های مردم به جان آمده از اجحافات جمهوری اسلامی است. رفتن جمهوری اسلامی ضرورتاً با روی کار آمدن یک حکومت دموکراتیک همراه نخواهد بود و ضرورتاً روگردانی از اسلام سیاسی را نیز دربر خواهد داشت.

بنا بر این پتانسیل انقلابی و رادیکالیسم نهفته در حرکت توده‌ها می‌تواند به نیروی تخریب عظیمی تبدیل شود و به ما جراجوت‌ترین نیروهای مستبد در پدید آوردن یک حکومت خون‌ریز دیگری را رساند. از اینرو مردم با وسواس بیشتری عمل می‌کنند و می‌خواهند بدانند که فراراهشان چه چشم‌اندازهایی گشوده خواهد شد. تشکیل یک آلت‌رناتیو سیاسی با طیف وسیعی از هم‌های جمهوریخواهان که برای تحقق دموکراسی، تجدد، پیشرفت و عدالت اجتماعی در کشور مبارزه می‌کنند، تا اندازه‌ای می‌تواند در مهار روند هادرسر منطقی موثر باشد. اهداف این بدیل انقلابی باید برای مردم روشن باشد تا با آن احساس هم‌پیوندی کرده به نیروی مادی آن بدل گردند.

در شرایط کنونی کشور ما، تنها در صورت حصول چنین پیش شرطی، تحولات اشکال متین تری به خود می‌گیرند و با اهرم قدرت توده‌هایی که استوار و متین و هشیار، در پیوند با جبهه‌ی سیاسی معتبر یا به میدان گذاشته باشند، می‌توان حکومتیان را به عقب نشینی واداشت و تحولات را به مسیری مسالمت‌جویانه سوق داد.

## براستی چه کسی مقصر است؟

به دنبال درگیری ۲ هفته قبل در جریان دیدار تیم های فوتبال پیروزی و استقلال در استاد یوم آزادی تهران، کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال اقدام به تنبیه انضباطی تعدادی از اعضا و مسئولین دو تیم کرد.

از تیم پیروزی حسن عابدینی (مدیر)، محمد پنجعلی (سرپرست)، فرشاد پیوس، مجتبی محرمی، احمد رضا عابد زاده، رضا شاهرودی، بهزاد داداش زاده (بازیکنان) و قربانی و ثابت فر (بزشکان تیم) و از استقلال امیر قلعه نوعی، مسعود غفوری اصل، محمود فکری و صادق ورمزیار بازیکنان تیم را به مدت شش ماه تا سه سال از حضور در مسابقات داخلی و خارجی محروم کرد. علاوه بر این تیم پیروزی را برای اخراج گروهی از بازیکنان این تیم تحت فشار قرار دادند.

روزنامه های رژیم با زشت ترین کلمات و صفات بازیکنان دو تیم را مورد سرزنش قرار دادند و همه را مسبب تظاهرات عظیمی که رخ داد، قلمداد کردند.

آشوب و درگیری در میدان ورزشی عمری به قدمت خود ورزش دارد. مردم به یک ورزشکار و یک باشگاه به دلیل متفاوت علاقمند می شوند و از آن حمایت و طرفداری می کنند. ورزشکار و باشگاه نیز به این حمایت هم از نظر روحی و هم از نظر مالی احتیاج دارد و در جلب آن می کوشد. در این میان بعضی از ورزشکاران و یا باشگاه ها موقعیت های ویژه ای پیدا می کنند که به نقش و رفتار آنان در میان مردم برمی گردد.

طرفداری از ورزشکار یا باشگاه مانند دیگر رفتارهای انسانی دچار افراط و تفریط می شود. علاوه بر رقابت در داخل میدان، همواره رقابتی نیز در جایگاه تماشاچیان جاری است. گاه این هواداری به واکنش های تند منجر می شود.

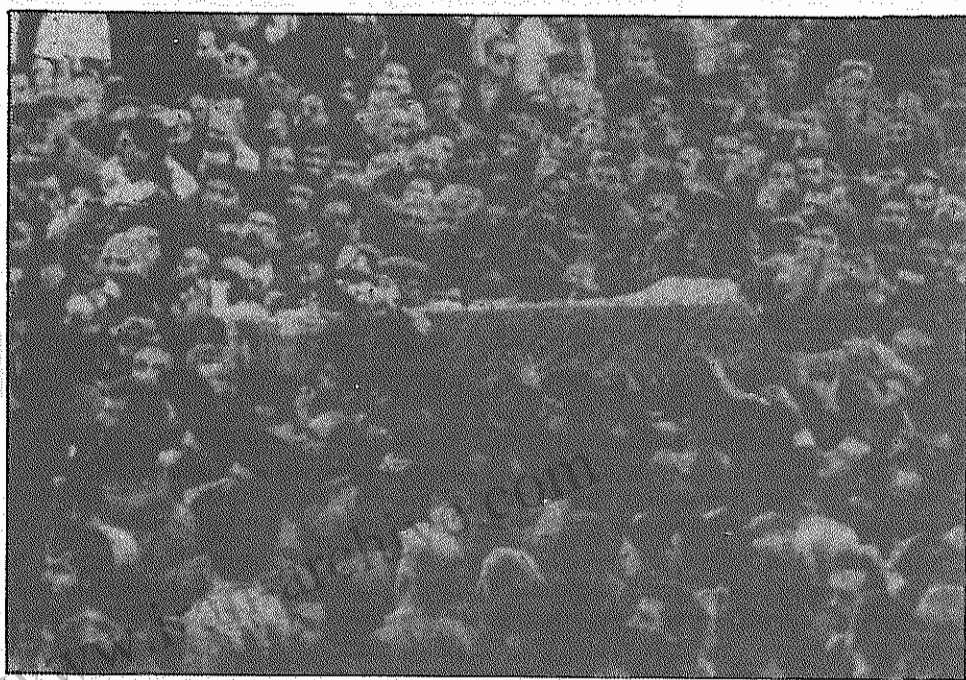
هیچ کس از پیروزی درگیری، رفتار تند و واکنش های غیر اخلاقی از سوی ورزشکاران و تماشاگران حمایت نمی کند. این رفتارها مخالف روح ورزش و دوستی و همکاری، که هدف یک ورزش سالم است، می باشد. در ایران استقلال و پیروزی رقابتی دیرینه داشته اند که همواره نیز رقابتی سالم نبوده است. بسیاری از روزنامه ها و مطبوعات که اینک اینگونه به ورزشکاران دو تیم می تازند، خود در پی دیدن این رقابت نقش داشته اند. مگر قبل از همین آخرین مسابقه دو تیم، روزنامه ها کم یا واژه هایی نظیر "دیدار بزرگ سال" به روحیه و هیجان کاذب دامن زدند؟

واقعیت ناگفته در روزنامه های رژیم این است که بر اثر سیاست های حکومت طی این سال ها است که جامعه اینچنین نابردبار و آبدستن اعتراض شده است. درگیری دو بازیکن در زمین فوتبال فقط یک بهانه است برای بروز خشم و ناراحتی های بیشمار جوانان. تنها جرقه در انبار باروت است. در پی دیدن آمدن این وضع و در ایجاد ناراضی های گسترده، بازیکنان دو تیم پیروزی و استقلال مقصر نیستند، تماشاگرانی نیز که در هیچ جایی آنرا یافته اند که خواسته های شان را آزادانه و بدون ترس از گماشتگان رژیم بیان کنند، مقصر نیستند. سران رژیم مسئولند که کار را به استخوان مردم رسانده اند و هر ندای حق طلبانه آنها را نیز با گلوله جواب می دهند.

## مراسم تشییع جنازه مهندس بازرگان با حضور دهها هزار نفر برگزار گردید

آئین تشییع جنازه مهندس مهدی بازرگان روز سوم بهمن ماه در حسینیه ارشاد با شرکت دهها هزار تن برگزار گردید. در این مراسم دکتر یدالله سبحانی بر پیگردوست دیرینه خود نماز گزارد. در همان روز جنازه بازرگان بنا به وصیت خود او در آرامگاه بیات در قم به خاک سپرده شد.

درگذشت بازرگان در محافل سیاسی داخل و خارج از کشور بازتاب وسیعی داشت. حکومت اسلامی و روزنامه های وابسته به آن که همواره به بازرگان دشنام میدادند، بعد از درگذشت او شروع به تعریف و تمجید از او کردند. در مراسم تشییع بازرگان، عطاالله مهاجرانی معاون پارلمانی رفسنجانی به نمایندگی از سوی رئیس جمهوری و هیات دولت شرکت کرد. روزنامه های تهران گزارش کامل از این مراسم و شرح زندگی او را چاپ کردند. روزنامه اطلاعات (چاپ لندن) در یادداشتی با عنوان "مهندس بازرگان راد مرد آزاده و مسلمان ایران" بقلم محمد جواد حجتی کرمانی به ستایش از شخصیت و مبارزات او پرداخت. امادر روزنامه ها به هیچ وجه به مواضع سیاسی او نسبت به رژیم اسلامی از جمله مصاحبه اخیر او با روزنامه آلمانی "فرانکفورتر روند شاول" اشاره نگردید. بازرگان در این مصاحبه از هرگونه تغییر و تحول در نظام جمهوری اسلامی اظهار ناامیدی کرده و بقای رژیم را ناشی از سیاست های آن در قلع و قمع مخالفین، و از بین بردن زمینه های



عکسی از مراسم تشییع جنازه مهندس بازرگان

## اختلاس در بانک ...

به فراموشی سپارند، نوشت آنا شلوغ کردن چند نفر بازیکن و تماشاگر فوتبال بیشتر از سوء استفاده ۱۲۳ میلیاردی بانک صادرات امنیت کشور را تهدید می کند؟ شما که پس از ماجرای روز جمعه در استاد یوم، اینطور دستپاچه شده و جلسه تشکیل می دهید و مسببین را تقبیح و برای جلوگیری از تکرار آن تدابیری اتخاذ می نمایید، برای سوء استفاده فوق در بانک صادرات جلسه تشکیل ندادید و تقبیح نکردید و تدبیری نیاندیشید. امنیت زندگی مردم را اغتشاش مسابقه فوتبال بیشتر تهدید می کند یا فساد گسترده اقتصادی؟

رئیس بانک صادرات آقای ولی الله سیف جزو دسته ای است که همچنان مدعی مبلغ سوء استفاده ۶/۵ میلیارد تومان بوده و باز پس گرفته شده است. یک هفته پیش از آنکه ما اجرای دزدی در بانک صادرات به بیرون دزد کند اصغر فخریه کاشان معاون عالی رئیس کل بانک مرکزی با وساطت عوامل ذی نفوذ اختلاس از زندان آزاد شد. فخریه کاشان به اتهام دست داشتن در جعل و اقدامات خلاف و همدستی با دلالان بزرگ ارز دستگیر شده بود. کاشان که به مدت یک هفته در بازداشت بود، هنگام دستگیری معاون بین المللی بانک مرکزی و با سابقه عضویت در هیات عامل این بانک بود.

در میان پرونده هایی که تاکنون افشا شده و رقم آن بیشتر از ۲۸۵۰ فقره است، ۲۴ پرونده اختلاس به شرکت ملی فولاد تعلق دارد که تحت بررسی

## ادامه از صفحه ۱

صورت گرفته و ماموران امنیتی و مسئولان از آن مطلع بودند بر اساس گزارش نیروی انتظامی عامل اختلاس مبالغی که از شهرستان ها و مراکز دانشگاه پیام نور (دانشگاه مکاتبه ای) به صورت چک یا حواله تلفنی به بانک واریز می شد. به حساب دوستان و آشنایان خود واریز کرده است.

## اگر اخبار را چاپ کنیم باید روزنامه را تعطیل کنیم

روزنامه سلام در شماره ۲۴ دی ماه با چاپ تفسیری با عنوان "قرض الحسنه ۱۲۳ میلیارد تومانی، مسئولان رژیم را زندانی خواند که می خواهند بر این دزدی بی سابقه در تاریخ کشور سرپوش گذارند. سلام نوشت که دزدی در بانک صادرات منحصر به فرد نیست و دهها مورد دیگر هم بوده و هست که پیش از برملا شدن با اطلاع مسئولان به "خوبی و خوشی" تمام شده است. سلام نوشت اخبار وحشتناکی از سوء استفاده و دزدی در اختیار دارد که به لحاظ مصالح روزنامه مایل به چاپ آنها نیست زیرا اگر چاپ کند "باید روزنامه را تعطیل کند و مدت ها به جاهای مختلف برود و توضیح دهد و از خود دفاع کند و اگر قانع نشدند به سراغ روزنامه بر گردد.

روزنامه سلام چند روز بعد خطاب به وزیر کشور دیگر اعضای شورای امنیت که می خواهند ماجرای دزدی ۱۲۳ میلیارد تومان که به "رفیق گیت" معروف شده است

## سمینار انجمن پژوهشگران ایران در لندن برگزار شد

- ۶- حسین ملک (نویسنده و پژوهشگر) \*
- ۲- نهضت چاپ:
- ۱- دکتر محمد امیدوار (حزب توده ایران)
- ۲- بابک امیر خسروی (حزب دموکراتیک مردم ایران)
- ۳- اندر بکتاش (حزب کمونیست کارگری ایران)
- ۴- بیژن حکمت (جمهوری خواهان ملی ایران)
- ۵- منوچهر ثابتیان (کنفدراسیون سابق دانشجویان)
- ۶- علی کشتگر (مجله میهن)
- ۷- مهرداد درویش پور (نویسنده و پژوهشگر)
- ۸- فرخ نگهدار (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)
- ۹- مهدی خانیابا تهرانی \*

- ۳- مشروطه خواهان:
- ۱- دکتر مصطفی الموتی
- ۲- دکتر رضا حسین بر
- ۳- دکتر مهرداد خوانساری
- ۴- خانم عفت داداش پور
- ۵- دکتر حبیب الله داد فر
- ۶- شجاع الدین شفا \*
- ۷- دکتر عبدالمجید مجیدی
- ۸- داریوش همایون \*

- ۴- مذهب:
- ۱- دکتر رضا قاسمی
- ۲- دکتر مهدی حائری
- ۳- دکتر فرهاد خسروخوار
- ۴- مهندس حسن شریعتمداری \*
- ۵- دکتر علی شیرازی \*
- ۶- دکتر عباس مهاجرانی
- ۷- علیرضا نوری زاده (افزادی که با علامت \* مشخص شده اند، موفق به حضور در جلسه نشدند)

در کنفرانس از جانب سخنرانان دهها مقاله ارائه شد که هر یک از آنان از زاویه دید گاهی کوشیدند دیگران را با درک و نظر خود نسبت به نقش جنبش و گرایش که متعلق به آن هستند، آگاه کنند و به سوالات حاضران پاسخ گویند و ایرانیان را از آنچه که برای آینده طلب می کنند، مطلع سازند.

قراوتیست مجموعه این گفتارها در یک یا چهار مجلد در اولین فرصت انتشار یابند.

## سفر واعظی به سوئد لغو شد

دولت نروژ و ایران متأثر از این مساله بوده است. هنوز پرونده این سوء قصد در جریان است. اکثر ناظران رژیم ایران را پشت این ماجرا می بینند. روابط دیپلماتیک دولت نروژ با جمهوری اسلامی در آستانه قطع کامل قرار دارد. جمهوری اسلامی از اعمال فشار دولت نروژ مورد توجه قرار دادن فتوای قتل رشدی بشدت ناخشنود است و دولت نروژ را یک دولت فعال در امور ضد اسلامی می داند.

در رابطه با لغو سفر واعظی به سوئد سفارت جمهوری اسلامی اطلاعیه ای صادر کرد و اعلام داشت: "برای این سفر گز تاریخی تعیین نشده بود."

به ابتکار انجمن پژوهشگران ایران از روز اول تا چهارم فوریه، در دانشگاه لندن، در مرکز مطالعات شرقی و آفریقایی برگزار شد. آقای دکتر حسین لا جویدی رئیس انجمن پژوهشگران در سخنرانی افتتاحیه ضمن تشریح اهداف انجمن و سابقه کار آن، هدف از این کنفرانس را کمک به جامعه ایرانی جهت شناخت همه گرایش ها و نیروهای سیاسی و اجتماعی آن در گذشته و حال با تاکید بر آینده آنان دانست و تاکید کرد که انجمن پژوهشگران تلاش داشته و دارد که این شناخت از طریق عرضه تحلیل با نظرات هر گرایش و جریان سیاسی و اجتماعی توسط نمایندگان خود آنان و رود روی دیگران عرضه شود و مورد بحث قرار گیرد. وی افزود در تدارک این گفتگوها، تلاش این بوده است که دعوت فراگیر باشد و هیچ نیروی حذف نشود، لذا نه تنها با تمام نیروها و شخصیت های مقیم خارج تماس گرفته شده، بلکه به عده ای از صاحب نظران و شخصیت های فعال در ایران نیز مراجعه شده است.

لا جویدی گزارش داد که به آقایان بازرگان، سبحانی، مجتهد شبستری، حجت الاسلام خاتمی، آقای سروش و عده ای دیگر مراجعه شده و آنان هر یک به دلایلی با شرکت در جلسه را در حال حاضر برای خود ناممقدور دانسته و یا اساساً در مقابل دعوت سکوت کرده اند. وی گفت یکی از نمایندگی های سیاسی رژیم نیز با انجمن تماس گرفته شده و شرایط شرکت را استفسار کرده و پرسیده است، حد دخا خله دولت انگلستان در این کار تا چه میزان است؟

در خارج به شورای ملی مقاومت و به سازمان کارگران انقلابی ایران نیز مراجعه شده و از این دو جریان پاسخی دریافت نشده است. اما پس از تنظیم لیست اولیه، از دو سازمان، حزب توده ایران و حزب کمونیست و کارگری ایران، نیز افرادی تمایل خود را به شرکت اعلام داشتند، که نام آنها نیز در لیست اضافه شد. آخرین فهرست شرکت کنندگان در این سمینار چنین بود:

- ۱- نهضت ملی:
- ۱- دکتر مهرداد ارفع زاده (جبهه ملی ایران)
- ۲- دکتر احمد طهماسبی (پژوهشگر، نویسنده)
- ۳- منصور بیات زاده (جامعه سوسیالیست ها)
- ۴- عباس داورپناه (جبهه ملی ایران) \*
- ۵- علی راسخ (جبهه ملی) \*

سفر محمود واعظی، معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی که به دعوت دولت سوئد قرار بود روزهای ۸ و ۷ فوریه انجام پذیرد، لغو شد. مصادف شدن سالگرد صد و فتوای قتل سلمان رشدی توسط خمینی (۲۵ بهمن، ۱۴ فوریه)، با سفر مزبور، علت لغو سفر واعظی تلقی شد. این تصمیم دولت سوئد، بخاطر ترس از فشار افکار عمومی که بر اثر تیره شدن روابط دولت های نروژ و ایران بر سر فتوای قتل رشدی مجدداً بسوی این مساله جلب شده است، صورت گرفت.

در اکتبر سال ۹۳ ناشر نروژی کتاب آیه های شیطانی مورد سوء قصد قرار گرفت. از آن زمان روابط

## روزنامه سلام ...

### ادامه از صفحه ۱

می کردند. اینها متاسفانه بعضی هایشان در بعضی از روزنامه ها شاغل بودند که ما اگر بر ایمان نقش اینها به شکل اساسی روشن شود، اقدام جدی خواهیم کرد.

روزنامه سلام تا کنون که ما هم خواستار روشن شدن موضوع بودیم و می دانستیم که وزیر اطلاعات با طرح این سخنان کدام روزنامه را هدف قرار داده و چه کسی را می خواهد مسئول سوء قصد قلمداد کند. سلام نوشت: "پر واضح بود که در آن زمان این سخن ابهام انگیز وزیر اطلاعات افکار عمومی را متوجه کدام روزنامه می کرد و اصولاً هدف از این سخن وارد کردن فشار بر کدام روزنامه بود. سوء قصد علیه هاشمی رفسنجانی سال گذشته هنگامی که وی بر سر قبح خمینی در حال سخنرانی بود صورت گرفت. اینکه در اجرای این سوء قصد خود رفسنجانی و وزارت اطلاعات چه نقشی داشته اند همچنان پوشیده مانده است.

### از شاه کارهای مطبوعات...

اشتیاهات چاپی در روزنامه ها و مطبوعات ایرانی، داستانی دارد که همه از آن باخبرند. این اشتباهات گاه به شاه کارهایی ماندنی تبدیل می شود. روزنامه سلام در یک بررسی پیرامون اشتباهات چاپی در روزنامه ها، نمونه هایی آورده است که خوانندگان آن ها خالی از تفریح نیست:

پیکر پاک شهید... از مقابل بنیاد شهید... تشیع و در گلزار شهدا به دار آویخته شد!

مدیرعامل کارخانه قند... به دو برابر افزایش یافت! در مورد تصادف ماشین عروس و داماد که بر اثر سرعت زیاد روی داد: داماد ناشی عروس را روانه بیمارستان کرد!

در مورد سفر جرج بوش به لهستان: جرج بوش وارد لهستان شد! و: هیئت پایه بلند روسی وارد مجارستان شد!

و: دروازه قزوین به جای دوازده فروردین، تیراهن تریبری به جای راه آهن سراسری، بیلبارد به جای میلیاردها، ماضی به جای قاضی، قلیون به جای تریلون، شرکت زائد به جای شرکت واحد، ملاقه به جای مقاله، قاطر به جای قطار، تارزان به جای ارزان، نامزد ریاست جمهوری به جای نامزد ریاست جمهوری و بالاخره گاه به جای کوه، اشتباهی که در عین حال توصیفی واقعی از بسیاری از مطبوعات ایرانی است!

## هزینه جمع آوری آنتن های ماهواره ای رانیز مردم باید از جیب خود بپردازند

مجلس شورای اسلامی در نشست صبح روز یکشنبه ۹ بهمن (۳۰ ژانویه) خود با تصویب اصلاحات شورای نگهبان طرح ممنوعیت تجهیزات دریافت از ماهواره را تصویب کرد. شورای نگهبان طرح نام برده را به دلیل عدم امکان تأمین هزینه اش به مجلس ارجاع داده بود. ابتدا رئیس مجلس پس از توضیحاتی اصلاحی کمیسیون مربوطه در تغییر مهلت جمع آوری آنتن ها از یک ماه به دو ماه واو تو کرد و حتی به رأی هم نگذاشت. سپس مجلس پس از شور و بحث و فحوص مفصل و فراوان راه حلی مبتکرانه برای حل این معضل یافت تا ضمن رفع حمله دشمن بزرگ ماهواره، از افزایش کسری بودجه کشور نیز جلوگیری کند. راه حل مبتکرانه مجلس به قرار زیر است:

بند ماده ۹ طرح ممنوعیت تجهیزات دریافت از ماهواره - وجوه دریافتی بابت مجازات مواد ۸ و ۹ این قانون به خزانه واریز و صد در صد آن

جهت تأمین هزینه های اجرای این قانون و مقابله با تهاجم فرهنگی در اختیار وزارتین کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران قرار داده می شود.

به این ترتیب دارندگان آنتن های بشقابی با این که هنگام خرید این آنتن ها مرتکب عملی خلاف قوانین جمهوری اسلامی نشده اند، نه تنها خسارتی بابت ضبط آنتن های خود دریافت نمی کنند، بلکه باید جریمه ای نیز بابت خرید کالا بپردازند که هنگام خرید آن به هیچ وجه قاچاق و غیر قانونی نبوده است. وی شرمانه ترین که برای پیش برد و اجرای این طرح روی جریمه پرداختی از سوی مصرف کنندگان حساس باز کرده اند! و قابل انتظار خواهد بود که وجه این جریمه ها با بالا رفتن هزینه ها، که امری کاملاً قابل پیش بینی است، روز بروز افزایش یابد.

### خبرهای کوتاه

#### آمریکا مخالف است

ماه گذشته دولت آذربایجان موافقت کرده بود که در مقابل کمک های مالی و فنی، ۵ درصد از سهام کنسرسیوم چنه میلیون دلاری گسترش و نوسازی صنعت نفت جمهوری آذربایجان را به جمهوری اسلامی واگذار کند. به دنبال اعلام این خبر، شرکت های نفتی آمریکایی اعلام کردند که اگر دولت یا کوسه می در این کنسرسیوم در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد از این کنسرسیوم خارج خواهند شد.

#### دفتر مرجعیت خارج از کشور

حجت الاسلام محسن اراکی نماینده خامنه ای سرگرم تدارک گشایش تشکیلات مرکزی مرجعیت خارج از کشور در لندن می باشد. این مرکز با سفارت جمهوری اسلامی و مسجد های پاریس که به سفارت وابسته است همکاری خواهد داشت و مسلماً دفتر مذکور تنها برای راهنمایی مقلدین خامنه ای و خارج از آن کشور نخواهد بود و بیشتر مقاصد سیاسی و اطلاعاتی آن مدنظر می باشد.

#### تهدیدهای تهران

رادیو تهران روز پنجشنبه (۱۳ بهمن) از قول سخنگوی وزارت امور خارجه خبر داد که دولت ایران تصمیم گرفته است که اگر تروژ مواضع ضد اسلامی خود را تغییر ندهد آن کشور را با بگوت اقتصادی کند. سخنگوی مذکور اشاره ای به جزئیات این تحریم نکرد و گفت این اقدام متعاقب تصمیم دولت نروژ مبنی بر پایین آوردن سطح روابط سیاسی و مرادات تجاری با ایران به منظور اعتراض به فرمان قتل سلمان رشدی صورت گرفته است.

#### داستان نویسی حول مرگ اندیشه و رزان

وزارت ارشاد اسلامی خبر داد که به بهترین داستان کوتاه در مورد وضع و حال سلمان رشدی به هنگام دریافت خبر فرمان قتل اش، ۱۰ اسکه طلا جایزه خواهد داد. داستان باید حالات روحی و روانی کسی را که فرمان قتلش صادر شده و می داند این کار حتمی است، ولی زمان آن معلوم نیست را به تصویر بکشد.

#### تکرار اتهام تاریخی

پس از جمع اعتراض آمیز دانشجویان نسبت به اخراج ۷ تن از استادان دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی در شایعات مبنی بر احتمال اخراج ۷ تن دیگر از اساتید آن دانشگاه، عده ای با انتشار اعلامیه ای بدون امضاء استادان مذکور فاقد صلاحیت دانسته و انجمن اسلامی این دانشکده را هم به جانبداری از مارکسیسم متهم کرده اند. در مجلس نیز حرکات دانشجویان این دانشکده را به جریان های سیاسی که سرنخشان در خارج از کشور است نسبت داده اند.

یکی از اعضای انجمن اسلامی دانشکده ای مذکور گفت: متأسفانه در سال های اخیر در این دانشکده عده ای تنها با استفاده از آنها ماتی از قبیل سیاسی، الحادی و داشتن سوء پیشینه ای اخلاقی به از میدان بدر کردن افراد اقدام می کنند و با این عمل جوی نامطلوب را در دانشکده بوجود می آورند.

#### مسافران هوای پیمای آسمان از مرگ نجات یافتند

هوای پیمای متعلق به شرکت آسمان که در خدمت شرکت نفت بود هنگام فرود در جزیره ی خارک با سیم های خاردار محوطه ی فرودگاه برخورد کرد. خوشبختانه بر اثر این برخورد هیچ یک از مسافران آسیب ندیدند ولی قسمت انتهایی هواپیما بشدت صدمه دیده است. این سومین سانحه ی هوایی در ایران در چند ماه گذشته می باشد.

#### کامپیوتر سه پند تولید ایران

کامپیوترهای ۳۸۶ و ۴۸۶ سه پند توسط شرکت گسترش انفورماتیک ایران تحت پوشش وزارت صنایع تولید شد. این کامپیوترها با سه سال تضمین در ده ی اف. سی. سی. کلاس بی جهانی قرار گرفته اند.

#### خط فقر در ایران

طبق برآورد بانک جهانی درآمد سرانه ی ۳۷۰ دلار در سال حد متوسط فقر و غیر فقر می باشد و فقیر شدن بد به کسی گفته می شود که درآمدش پایین تر از ۲۷۵ دلار در سال باشد. نتایج آمارگیری سال ۱۳۷۱ در ایران نشان می دهد که متوسط هزینه ی سالانه ی یک خانوار شهری و یک خانوار روستایی به ترتیب بالغ بر ۳۸۰ هزار تومان و ۲۳۰ هزار تومان بوده در صورتی که در همین سال درآمد سالانه ی متوسط خانوارهای شهری و روستایی به ترتیب برابر با ۳۵۴ هزار تومان و ۱۹۷ هزار تومان بوده است. طبق آمار و محاسبات انجام شده در سال های ۷۰ و ۷۱ خط فقر در ایران معادل درآمد ماهانه ی ۱۸ تا ۲۱ هزار تومان می باشد و با احتساب ۵۰ درصد تورم سال های ۷۲ و ۷۳ این مبلغ به ۲۷ تا ۳۲ هزار تومان افزایش می یابد به عبارتی اگر میزان درآمد ماهانه ی هر خانواده ی ایرانی کمتر از ۳۰ هزار تومان در ماه باشد این خانواده فقیر محسوب می شود.

#### کارت شناسایی کامپیوتر

عباس باجی پورمدیر کل ثبت احوال آذربایجان شرقی اعلام کرد که طرح اصلاح اساسی سیستم ثبت احوال از شهریور سال آینده به اجرا گذاشته خواهد شد که یکی از موارد این طرح صدور کارت شناسایی کامپیوتری عکسدار با مشخصات فردی می باشد که غیر قابل جعل است.

## بلا تکلیفی ۵۰ هزار معلم کشور

بلا تکلیفی چندین ساله ۵۰ هزار معلم حق التدریسی کشور کماکان ادامه دارد. سازمان امور اداری و استخدامی کشور از استخدام این آموزگاران خودداری می ورزد؛ تنها نیمی از بالغ بر ۲۰ هزار فارغ التحصیلان دانشسراهای کشور در سال جاری موفق به کسب مجوز استخدام از سوی سازمان مذکور شده اند.

از سوی دیگر در شرایطی که نیاز کشور به کادر آموزشی ورزیده روز بروز روبه افزایش است، وزارت آموزش و پرورش دانشسرای تربیت معلم را رسماً تعطیل و ظرفیت دانشسراهای کشور را از ۳۷ هزار به ۱۶ هزار دانشجو کاهش داده است. وزیر آموزش و پرورش در یک گردهم آیی در وزارتخانه متبوع خود گفت بر اساس طرح جدید وزارت آموزش و پرورش و وزارت تعاون قرار است با تشکیل تعاونی های فرهنگیان، اداره بخشی از مدارس به معلمان واگذار شود.

### رویدادهای ورزشی

#### پایان مسابقات قهرمانی کشور سایا دوباره قهرمان شد

تیم فوتبال باشگاه سایا تهران با پیروزی یک بر صفر در دیدار پایانی، در مقابل استقلال تهران به مقام اول قهرمانی فوتبال جام باشگاه های ایران دست یافت. تیم پیروزی در اعتراض به تصمیمات فدراسیون فوتبال کشور حاضر به حضور در برابر کشاورز نشد و به این ترتیب استقلال دوم و کشاورز در رده سوم این دوره رقابت ها قرار گرفتند. دیدار دو تیم سایا و استقلال در ورزشگاه آزادی تهران با حضور ۴۰ هزار تماشاچی انجام شد. دو تیم در پایان وقت قانونی بدون رد و بدل کردن گلی مساوی بودند. در نیمه دوم وقت اضافه (دقیقه ۱۱۰) ضربه سر فرشاد فلاحت پور نقطه پایانی بر این دیدار گذاشت. در پایان وقت تلاش های استقلال برای جبران عقب ماندگی به نتیجه ای نرسید.

سایا در بازی نیمه نهایی کشاورز را با همین نتیجه و با تک گل حمید علی دوستی مغلوب کرد. استقلال در بازی برگشت که در بندر عباس برگزار شده بود، میدان را با مساوی بدون گل ترک کرد. اما از آنجا که بنا به تصمیم فدراسیون فوتبال بازی اول این دو تیم سه بر صفر به نفع استقلال اعلام شده بود، در نتیجه استقلال با برتری در مجموع دو دیدار بعنوان قهرمان سایا برای کسب مقام اول در برابر این تیم فرار گرفت.

پیروزی در این مسابقه اشتیاقی برای غلبه بر استقلال از خود نشان نداد. با اینکه قرار بود این دیدار بدون حضور تماشاچی برگزار شود ولی بالغ بر ۲۰۰۰ نفر بر روی جایگاه ها نشسته بودند.

#### در مسابقات جام تختی

#### تیم های کشتی ایران قهرمان شدند

در مسابقات کشتی آزاد و فرنگی جام جهان پهلوان تختی که با حضور تیم هایی از دیگر کشورها در شهر شیراز برگزار شد با قهرمانی ایران در هر دو رشته به پایان رسید.

تیم کشتی آزاد ایران با کسب ۹۷ امتیاز به مقام اول و تیم های ترکیه با ۶۶ امتیاز و قرقیزستان با ۶۲ امتیاز در رده های دوم و سوم قرار گرفتند.

تیم کشتی فرنگی ایران با ۱۲ امتیاز در صدر و تیم های ارمنستان و گرجستان با ۶۷ و ۴۸ امتیاز به مقام های دوم و سوم این دوره از مسابقات رسیدند.

در مسابقات کشتی آزاد ۱۱ کشور شرکت داشتند. تیم هایی از ترکیه، قرقیزستان، آذربایجان، ارمنستان، مغولستان، گرجستان، افغانستان، ترکمنستان، آلبانی و سوریه طی چهار روز با هم مصاف دادند و در پایان تیم های ایران با کسب ۷ مدال طلا و ۳ نقره اول و تیم ترکیه قهرمان جام جهانی گذشته با کسب ۳ طلا و یک نقره دوم و تیم قرقیزستان بدون تصاحب مدال سوم شدند.

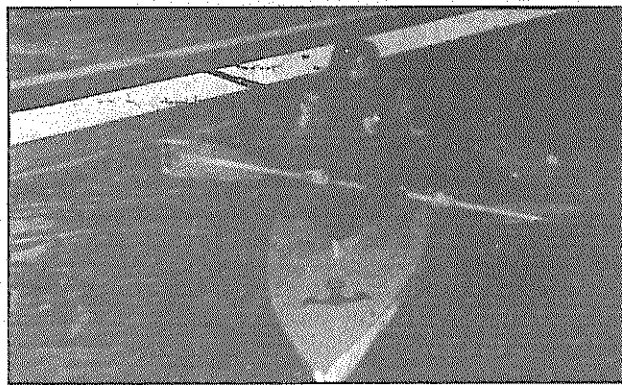
نادر رحمتی در ۴۸ کیلو، سعید کرولی و ندرت در ۵۲ کیلو، محمد طلائی

در ۵۷ کیلو، عباس حاج کناری در ۶۲ کیلو، اکبر فلاح در ۶۸ کیلو، کوروش کهریزی در ۹۰ کیلو و ابراهیم مهربان در ۱۳۰ کیلو فاتحین طلائی مسابقات کشتی آزاد بودند. عیسی مومنی در ۷۴ کیلو، علیرضا حیدری در ۸۲ کیلو و علیرضا رضائی در ۱۰۰ کیلو به مدال های نقره دست یافتند.

در مسابقات کشتی فرنگی تیم ایران صاحب چهار مدال طلا و نقره ۷ و برنز شد. حسین عرب زاده، محمد نیکونهاد حسینی، محمد ایوب نامداری، و کیومرث آیت پناه در وزن های ۴۸، ۸۲، ۱۰۰ و ۱۳۰ کیلو به مدال طلا دست یافتند. محسن سوریان در ۴۸ کیلو، عبدالکریم کاکا حاجی در ۵۲ کیلو، بهرام حسین زاده در ۶۲ کیلو، ساسان خوبیاری در ۷۴ کیلو، بهروز جمشیدی در ۸۲ کیلو، داریوش فلاوند در ۹۰ کیلو و حمید سالم در ۱۳۰ کیلو ایران را صاحب مدال نقره کردند.

علیرضا کارا فریش، بهروز حیدرزاده، سلیم لسانی، بهروز علی بیگی، محسن نادری خادم، سید مجید موسوی و حمید ارجمند پور دیگر مدال آوران ایرانی بودند که صاحب گردن آویز برنز شدند.

#### آموزش قایقرانی بانوان



اولین دوره آموزش قایقرانی بانوان کشور در استان خراسان و با حضور تعدادی از بانوان علاقه مند به ورزش قایقرانی در بین زنان ایرانی تقریباً ناشناخته است. این دوره آموزش قایقرانی تورینگ انجام می گیرد. این رشته ورزش قایقرانی ابتدائی ترین رشته این ورزش می باشد که از آن طریق ورزشکار خود را برای انتخاب رشته های دیگر آماده می کند. حفظ تعادل در این گونه قایق ها (قایق یک نفره ۲/۸۰ متر و دو نفره ۳/۲۰ متر) زاحتر است. رشته تورینگ فقط در آسیا برگزار می شود و کشورهای اندونزی، ژاپن، کره و هند از جمله کشورهای صاحب نام در رقابت های این رشته در ورزش بانوان می باشند.

## بهمن فاتح جام حذفی ایران شد

مسابقات جام حذفی باشگاه های ایران با دیدار دو تیم بهمن و تراکتورسازی تبریز به پایان رسید.

این دیدار با نتیجه دو بر صفر با گلپانی که امیر هوشنگ شریفی در دقیقه ۳۹ و اکبر آیسالان در دقیقه ۶۴ به ثمر رساندند به قهرمانی بهمن منتهی شد. دیدار رفت این دو تیم با نتیجه یک بر صفر به سود تراکتورسازی خاتمه یافت. به این ترتیب تیم بهمن در دو بازی به برتری رسید.

با این پیروزی تیم بهمن نشان داد که یکی از موفقترین تیم های فوتبال فصل گذشته ایران بوده است. صعود به دسته اول باشگاه های ایران، فتح جام حذفی تهران و تصاحب جام میلز در هندوستان از دیگر موفقیت های سال گذشته این تیم بودند.



پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت ۱۹ بهمن، سالروز بنیان گذاری جنبش فدائیان خلق

# کشور در بحران فرومی رود، روند همگرایی در صف آزادی خواهان کند است

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ۱۹ بهمن، سالروز بنیان گذاری جنبش فدائیان خلق و آغاز بیست و پنجمین سال فعالیت سازمان را به دوستان و دوستان سازمان و همه فدائیان خلق شادباش می گوید و در این روز خجسته، یاد زنان و مردانی را گرامی می دارد که با عشقی بزرگ به مردم و میهن و با سودای بنای آزادی و عدالت در ایران، جنبشی بزرگ و سر بلند را بنا نهادند.

سازمانی که به همت گروهی کوچک تولد یافت، به نیروی زنان و مردانی قوام و گسترش یافت که در کرده خود صادق و نسبت به سرنوشت کشور و مردم خود مسئول بودند. انگیزه آنان نه پول، مقام و یا شهرت، و نه اجرای فرمان قدرت ها، که آزادی و عدالت و برخورداری از حق انسان بودن برای انسان بود. بزرگداشت ۱۹ بهمن، برای سازمان ما که در تاریخ جنبش فدائیان سهم بوده و اکنون نیز بخش بزرگی از نیروی این جنبش را در صفوف خود دارد، قبل از هر چیز میثاق دوباره با همین اهداف و آرمان ها است.

بنیان گذاران جنبش ما به ما آموختند فدائیان چه آنگاه که متشاه خدمت هستند و چه زمانیکه به خطا می روند، باید با مردم خود صریح و صادق باشند و هرگز از نقد عمل خود نگریزند. در این بیست و چهار سال، فداکاری در راه آرمان و وفاداری به انتخاب خود، صراحت و صداقت و احساس مسئولیت در برابر سرنوشت کشور، نیروی حفظ و تکامل ما و راز بقای جنبش ما بوده است. امروز نیز فدائیان به این سنت های نیک سازمان نشان وفادارند.

یاران و هم میهنان گرامی! اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی کشور آینده نگران کننده ی آن، مسئولیت سنگینی را در برابر احزاب و گروه های سیاسی و همه میهن

دوستان ایران قرار داده است. ۱۶ سال حاکمیت جمهوری اسلامی و سلطه استبدادی آن، ارکان اقتصاد کشور را از هم گسیخته، هزاران گره کور برای جامعه ما آفریده و راه مشارکت بخش اعظم نیروهای سیاسی جامعه را در امور کشور و چاره جویی مصائب بسته است. ورشکستگی اقتصاد کشور و در ماندگی کامل حکومتگران در چاره یابی به انبوه معضلات جامعه، آینده را برای کشور ما بنس حساس و مخاطره آمیز کرده است.

رژیم هر روز در میان مردم منزوی تر می شود و اما همزمان نقطه عطفی جدی در نگرش نیروهای سیاسی کشور نسبت به مسئولیت خود و نیازهای کشور نیز رخ می نماید. به نظر می رسد در طیف وسیع مخالفان وضع حاکم بر کشور، چه در داخل و چه در خارج از ایران، نیروی آزادی تازه در حال شکل گیری است. صدای اعتراض نسبت به وضع موجود، به فقدان آزادی و برای احقاق حقوق مردم در حال خیزش است و هر روز ساطر می شود. فکر چاره جویی مشترک برای نجات کشور از چنگال استبداد و پیش گیری از خطر تلاشی کشور، فکر همکاری و تشویک مساعی همه نیروهای اپوزیسیون بر اساس احترام به حقوق بشر، دموکراسی و اتکاء به آرای مردم دامنه وسیعتری می یابد و مخالفان گفتگو برای رسیدن به راه حل مردمی و مسالمت آمیز برای تحول این اوضاع دردناک، کمتر می شوند. روش و منش انحصار طلبانه، دشنام گویی و خود محور بینی در صف مخالفان تضعیف می گردد. در صفوف اپوزیسیون، سیراوضاع در جهت تحمل بیشتر در گرانديشان و تقویت تمایل به گفتگو است. آثانی که با این روند رو برو می کنند، زیر فشار روز افزون قرار می گیرند.

همه اینها امید آفرین و نیروبخش است. لیکن کندي این روند، فقرت و نشئت فکری در میان مخالفان در شرایط حدت اوضاع بحرانی کشور، این نگرانی را پدید آورده است که مسیر حوادث، میهن ما را به فاجعه ای دیگر

بکشاند. به اعتقاد ما، غلبه بر استبداد و نجات کشور از مهلکه ای که روی به آن دارد، مستلزم چنان دگرگونی در نظام سیاسی کشور است که شرایط را برای مشارکت همگانی در همه امور کشور فراهم آورد، انتخاب دولت و حکومت را به مردم واگذارد و حق هر نیروی سیاسی را برای آنکه بتواند به اتکای رای مردم برای دوره ای اداره کشور را در دست گیرد، محترم شمارد. چنین نظامی ثبات سیاسی را به کشور بازگردانده و همه قوای مادی و انسانی آن را در خدمت سازندگی و نجات کشور اوضاع فاجعه بار کنونی قرار می دهد. چنین شرایطی البته جز در یک نظام جمهوری متکی بر دموکراسی پارلمانی میسر نیست و ما طرفدار چنین نظامی هستیم و در همراهی و همکاری با همه نیروهای جمهوری خواه و دموکرات در این راه می کوشیم. اما ما هیچگاه این باور خود را برای آزادی خواهان مردم نخواهیم دانست. ما موافق آن نیستیم که پیش از مراجعه به آرای مردم نظام سیاسی معین و یا بدتر از آن "رهبر" و "شاه" و "رئیس جمهور" برای کشور تحمیل شود. این کوششها در جهت غلبه بر استبداد در ایران نیست.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، آرزو و تلاش دارد که بیست و پنجمین سال جنبش فدائیان به سالی پر بار در راه همکاری آزادی خواهان و گشایش چشم اندازها و امیدهای تازه در راه استقرار دموکراسی در ایران بدل گردد. آرزوی ما این است که کشور ما از راهی هر چه بی درد تر و قبل از آنکه دیگر کار از کار بگذرد، به دموکراسی و قانونیت و امنیت دست یابد و همه مردم ما با هراعتقاد و اندیشه ای بتوانند برای بازسازی کشورشان دست به دست هم بدهند. به امید چنین روزی.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۹ بهمن ماه ۱۳۷۳

## جنبش ما چگونه آغاز شد

روز ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ یک واحد از اعضای فدائیان خلق به پاسگاه ژاندارمری سیا هکل حمله کردند و موجودیت فدائیان خلق رسماً آغاز شد. حماسه سیا هکل حاصل همکاری و عمل مشترک بین دو گروهی بود که بعد تر سازمان فدائیان را پایه گذاری کردند. یکی از این دو گروه، گروه رفیق جزینی بود که سابقه فعالیت آن به سال های آغاز دهه چهل می رسد. گروه دیگر، گروه رفقا احمدزاده و پیویان بود که در محافل دانشجویی و دانشجویان فعالیت می کرد. عملیات مسلحانه سیا هکل حاصل سالها بحث و تبادل نظر بین این دو گروه و اقدامات تدارکاتی متعدد بود. آنچه در این مقاله آمده است، شرح عملیات سیا هکل است. در این نوشته از کتاب "نهضت امام خمینی" نوشته حمید روحانی و تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران نوشته سرهنگ غلامرضا نجفی استفاده شده است.

تصمیم به اعزام یک گروه از فدائیان خلق به جنگل های شمال کشور، که بعدها خالق حماسه سیا هکل شد، در شهریور ماه ۴۹ گرفته شد. در نشست درده هفت حوض، در ارتفاعات شمال تهران رهبران گروه تصمیم گرفتند گروهی از فداییان را، که بعدها به تیم کوه شهرت یافتند، به منظور تدارک مبارزه مسلحانه، شناسایی نقاط استراتژیک، ایجاد پناهگاهها و انبارک های اسلحه، مواد غذایی، دارویی و پوشاکی و همچنین کار تبلیغی در میان عناصر بومی، به صفحات شمال کشور اعزام کنند. در نشست دره هفت حوض رفقا حمید اشرف، علی اکبر صفایی فراهانی، محمد صفاری آشتیانی، غفور حسن پور، محمد صادقی فاضلی، سیف دلیل صفایی، اسکندر صادقی نژاد و محمد رحیم سماعی حضور داشتند.

### یورش ساواک در شهر

در ۱۶ آذر ماه ۴۹، در جریان تظاهرات دانشجویی، ساواک دانشجویی را دستگیر کرد و به ارتباط او با غفور حسن پور پی برد. حسن پور پیشتر نیز از طریق یکی از اعضای گروه فلسطین "لو" رفته بود و برای ساواک فردی شناخته شده بود. حسن پور در ۱۲ آذر ماه ۴۹ دستگیر شد. ساواک به سرخ های بیشتری از تیم شهر دست یافت و هادی فاضلی، اسماعیل معینی عراقی، مشیدی، اسکندر رحیمی، علی و مصطفی حسن پور را دستگیر کرد. سایر اعضای گروه از جمله صفاری آشتیانی، صادقی نژاد، منوچهری پور، رحمت الله پیرو نژاد و حمید اشرف مخفی شدند.

ساواک بر اثر تحقیقات گسترده و شکنجه های وحشیانه، موفق به کسب اطلاعات تازه ای شد و از وجود تیم کوه و برنامه های آن نیز اطلاع یافت. در یک گزارش داخلی ساواک که به تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۴۹ از رشت به تهران فرستاده شده، آمده است:

۸- شنبه گذشته ۲/۵ کیلو تی. آن. تی از تهران تحویل کیته

کوه داده اند. در تهران صفایی و مشیدی از این موضوع با اطلاع هستند، بایستی از آنها تحقیق و موضوع روشن شود. ۲- تعداد نفرات کوه تا شنبه ۹ نفر بوده اند. شنبه یک نفر اضافه شده و فعلاً ده نفر هستند.

### یورش ساواک در شهر

۴- طبق اظهارات کوه، کیته کوه مخفی گاههایی در کوه دارند که برای آنها غذا برده می شود.

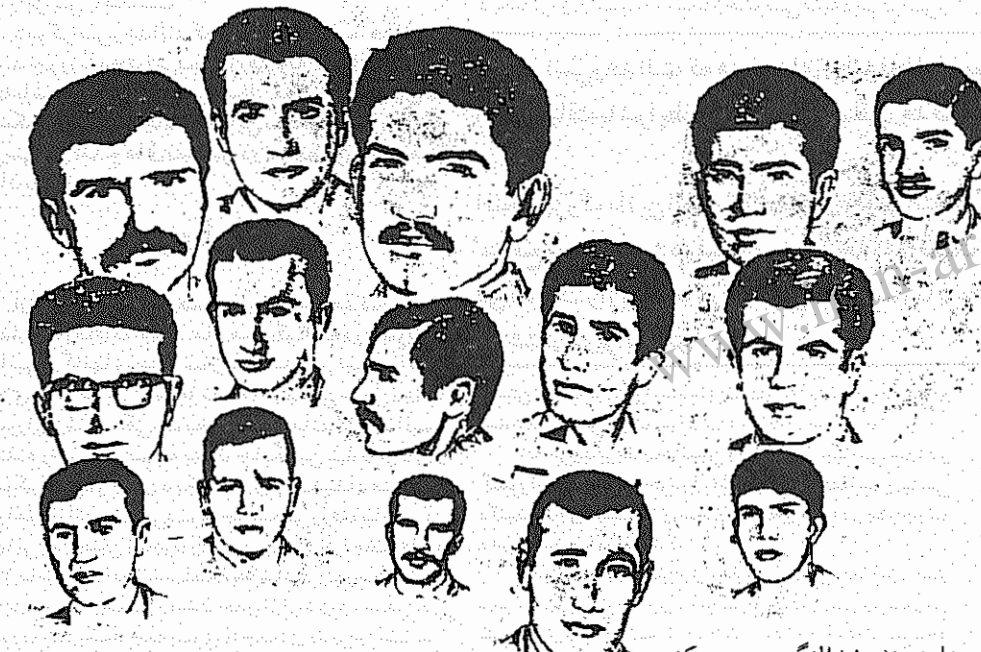
۵- رابط کوه را پیدا کردیم که جهت دستگیری اقدام شده.

۱۰- یک اکیب کوه در روز شنبه همین هفته از تهران به کوه آمده اند که اقدام به منظور شناسایی به عمل آید.

### آغاز عملیات

یورش ساواک و دستگیری های گسترده، گروه کوه را مصمم ساخت که عملیات مسلحانه را، که پیش از برنامه پیش بینی شده نیز به عقب افتاده بود، هر چه زود تر شروع کند. در آخرین دیداری که صفایی فراهانی با حمید اشرف (رابط دو تیم شهر کوه) داشت، تصمیم خود به آغاز عملیات مسلحانه را به اطلاع او رساند. حمید اشرف با این تصمیم مخالفت کرد اما گروه کوه مصمم به آغاز عملیات باقی ماند.

در ۱۹ بهمن ۴۹ زرمندگان سیا هکل از ارتفاعات "بالا رود" واقع در جاده سیا هکل لولک، فرود آمده و آماده حمله به پاسگاه شدند.



می خورد و گران می فروشد، مالیات های گران بر مایحتاج مردم می بندد. زنده باد همبستگی دوستان و شهروندی های انقلابی. جنبش مسلحانه انقلابی ایران

متن تراکت فوق و همچنین نام اولیه گروه یعنی "جنبش مسلحانه انقلابی ایران"، پیش از حمله و توسط اعضای گروه تعیین شده بود. تیم کوه پس از انجام عملیات عقب نشست و به دنبال چندین روز راهپیمایی و کوهنوردی در تاریخ ۲۸ بهمن خود را به بلندی های "کا کوه" رساند. عباس دانش بهزادی درباره این ایام نوشته است:

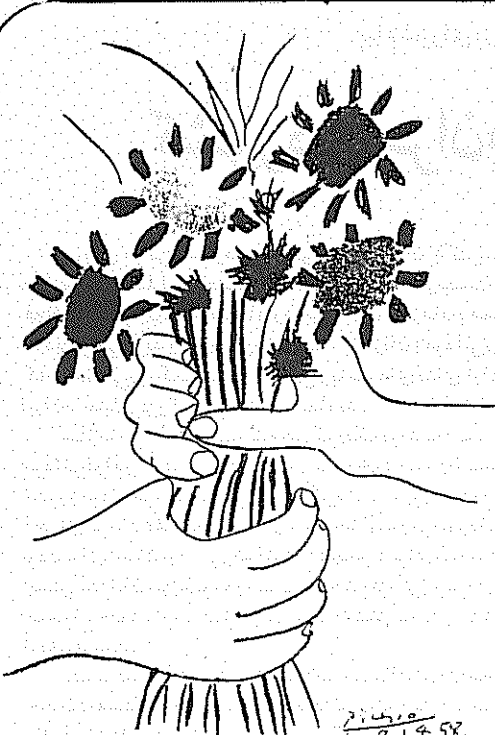
ما در این ایام به ارزیابی کار خود پرداختیم و معلوم شد که موفق نبوده ایم. بدون فشنگ نمی توان از تفنگ ها استفاده کرد. تعداد ما کم است. قرار شد منوچهر (صفایی فراهانی) با رابط شهر تماس بگیرد، اگر ممکن است از او نیرو بگیریم. اگر نه، دردهات تبلیغ کنیم تا از روستا نیرو بگیریم.

رژیم با همه قوا یورش می آورد پس از ۹ روز عقب نشینی، اعضای گروه مجبور شدند هوشنگ نیری را که از ناحیه بازو مجروح شده

برادران و خواهران هم وطن! دستگاه جابری که چای با آردان

# سنگری برای آزادی

## سنگری برای داد



سید علی حسینی  
۱۳۷۳

زیرکانه یک آری را با هزارویک اما و اگر مخلوط میکند. اندیشه عقب مانده نمیتواند بفهمد که فرهنگ (ونه چادر و روسری) و آگاهی (ونه چماق مرد) باید زن را - هماهنگونه که مرد را در زندگی هدایت کند. تحقیر زن، ناتوانی در پذیرش حقوق زن، بدون شک عمیق ترین، وسیع ترین و شایع ترین گرایش ضد دموکراسی در کشور ماست. این گرایش حتا گاهی در میان نیروهای به اصطلاح مدرن مدافع حقوق زن نیز بگونه ظریفی عمل میکند. از اینرو یک دموکرات وظیفه خود میداند که دفاع از آزادی زن را یک رکن یکپارچه همیشگی خود ارزیابی کند.

### برای داد

آنچه سازمان ما را از یک آزاد بخواه متعارف متفاوت میکند اعتقاد ما به مبارزه در راه عدالت اجتماعی بعنوان دومین رکن پایدار برنامه سیاسی سازمان است. در واقع عدالت اجتماعی تحولی است حتا زرفراز دموکراسی سیاسی که در پرتو تحقق این دموکراسی و بعنوان عامل

می دهد. اما در هر دو رژیم چیزی مضحک تر و غیر انتخابی تر از این مجالس فرمایشی وجود نداشته و ندارد. در واقع باید گفت استبداد این رژیم و دیکتاتوری آن رژیم تمام و کمال در سیمای ضد مردمی مجالس فرمایشی آنها منعکس بوده و هست. امروزه دیگر تلاش برای اختراع دموکراسی های جدید و تفاسیر خانوادگی و قبیله ای از دموکراتیسم تف سربالایی است که صورت عاملین را ملوث میکند. دموکراسی دیگر پدیده ای اختراعی و ملی بومی نیست. دموکراسی در جهان تجربه شده است و آنچه که ما باید در کشور خود تا مین کنیم همان دموکراسی تجربه شده، همان اصول دموکراتیک پذیرفته شده از سوی مجامع مترقی بین المللی همان هدفی است که مدافعین آزادی سیاسی از انقلاب مشروطیت تا کنون آنها را پی گرفته اند.

به اعتقاد ما انحصارگری سیاسی، تلاش برای اختصاص میدان سیاست به خود، و همه از تاپید حق مخالفین و دشمنان برای فعالیت آزادانه سیاسی، همانند دیکتاتوری و استبداد آشکار حکومتی علیه دموکراسی و

جنبش فدائیان خلق ایران بیست و چهارمین سال زندگی خود را پشت سر میگذارد و بسوی قله بیست و پنجم که نشانگر تکمیل یک ربع قرن کوشش پرفراز و نشیب فدائیان در راه صلح و دموکراسی و عدالت است پیش میرود. کارنامه و تاریخ یک جنبش سیاسی بدون شک یکی از بزرگترین سرچشمه های قضاوت مردم درباره آن است، چرا که این کارنامه و تاریخ نشان میدهد که یک حزب یا سازمان سیاسی تا چه اندازه جدی و واقعی است، تا چه اندازه به فکر منافع مردم و میهن خویش است، در نبرد ها چه توانی دارد، و در فرازونشیب ها چه شخصیتی از خود نشان میدهد. تاریخی که یک حزب سیاسی پشت سر میگذارد خود بصورت یک عامل مادی و معنوی آن حزب را زیر تأثیر میگیرد و تعهدات وی را هم به مردم و هم به خود آن مدام یاد آوری میکند.

جنبش تاریخدار در هر گامی که پیش میرود ناچار است به تاریخ خود توضیح دهد. تاریخ یعنی جایگاه معینی نزد مردم، یعنی رابطه معینی با مردم. از این رو فدائیان در راستای دگرگونی ها، خود را موظف میدانند که به این تاریخ، به این رابطه ای که با مردم برقرار شده است، به مردمی که از آنها توضیح میخواهند پاسخ دهند. این پاسخگویی تجسم تعهد تاریخی شکل گرفته فدائیان در جامعه است، و نشاندهنده مردم گرایی و دموکراتیسم سازمان ماست.

در این سالیان دراز پرفراز و نشیب، خصوصاً طی چند ساله اخیر سازمان ما تحولات بسیاری یافته است. این تحولات چنانند که شاید اگر اکنون سازمان ما با مرحله آغازین جنبش فدائیان مقایسه شود به اندازه دو حزب فاصله احساس شود. با اینهمه، اگر تاریخ سازمان بر متن تحولات ایران و جهان و پدیده واقع بینی و بیطرفی بررسی شود روشن میگردد که این جنبش از مرحله ابتدایی به مرحله بسیار عالی تکامل یافته است و در طول این تکامل توان معنوی آن برای مبارزه با خطر هدف های بنیادین و همیشگی اش که دموکراسی و عدالت هستند بسیار افزایش یافته است.

دموکراسی و عدالت که هدف های اولیه فدائیان بودند امروز با محتوایی بسیار زرفرتر و به گونه ای انطباق یافته با شرایط ویژه ملی و بین المللی هدف های بنیادی ما را تشکیل میدهند. جادازد در این سالگرد ما با دیگر بررسی این آماج های بنیادین در شرایط نوین جامعه و جهان بپردازیم.

### برای آزادی

آزادی و دموکراسی همه جانبه سیاسی هدف بنیادی و مقدم سازمان ما است. ما، همانگونه که در مصوبات اساسی ارگانهای عالی سازمان منعکس است تا مین آزادی و دموکراسی را شرط مقدم و مهمترین عامل نجات کشور از ورطه شکستگی و بدبختی و عقب ماندگی میدانیم و اعتقاد داریم که بدون جایگزین شدن آزادی و دموکراسی در جای دیکتاتوری و استبداد مردم ما نخواهند توانست راهی بسوی خوشبختی و رفاه یابند. در جهانی این چنین متحول و در عصری که آنرا عصر علم و اطلاعات نام داده اند سلطه استبداد قرون وسطی ای بر جان مردم ما و محروم شدن خلق از آزادی و دموکراسی کشور ما را از یک فاجعه بسوی فاجعه ای بدتر می کشاند. ایران بدون دموکراسی ویران خواهد شد. این واقعیتی است که دشمنان ما هم آنرا بخوبی میدانند و به دقت از این شرایط بهره میگیرند.

در شرایطی که بسیاری از مخالفین آزادی در صفوف حکومتیان و مخالفین آنها بر حفظ منافع خود و فریب دیگران ضمن زیر پا گذاشتن آزادی و دموکراسی دم میزنند هر نیروی مسئولی وظیفه دارد که به روشترین شکل دموکراسی و آزادی را مورد دفاع قرار دهد. سازمان ما در اسناد مصوبه کنفرانس خود در مجموع تبلیغات خویش از دموکراسی و آزادی به روشترین شکل دفاع کرده و میکند. از دید ما پذیرش و تعهد به اجرای منشور حقوق بشر، بدون هرگونه تفسیر و اما و اگر، و با پذیرش تفسیر رسمی بین المللی از مفاد این منشور، و مجموعه آنرا بصورت یک کل و تفسیر و برداشت مجامع رسمی بین المللی از آنرا، بعنوان یک رکن برنامه سازمان فدائیان در مبارزه برای دموکراسی مورد تأکید قرار میدهم.

ایران کشوری است که به سلطنت نه! گفت و آنرا واگون کرد. از این روح جمهوری میتواند شکل اصلی رژیم دموکراتیک در ایران باشد. اما آنچه فراتر از شکل باید مورد تأکید قرار گیرد همانا ضرورت تأمین آزادی های همه جانبه سیاسی در راس همه آزادی همه احزاب و متکی شدن قدرت حاکم به انتخابات کاملاً آزاد و تبدیل شدن رأی آزادانه مردم به بالاترین و مهمترین مؤثرترین عامل سیاسی کشور است. شالوده یک رژیم واقعاً دموکراتیک همین حاکمیت مردم به واسطه رأی آزادانه خودشان است، و به همین اعتبار است که مجلس منتخب مردم، مجلس نمایندگان مردم که بیش از هزارگان دیگری بیان کننده خواست و اراده مردم است و از هزارگان و مقام دیگری بیشتر امکان کار بست خود جمعی مردم را در بدایه به نمایندگی از مردم در راس هرم قدرت باشد. جمهوری اسلامی نیز همانند رژیم شاه مدعی پارلمان سالاری میشود و "مجلس" تشکیل

دموکراسی و عدالت که هدف های اولیه فدائیان بودند، امروز با محتوایی بسیار زرفرتر و به گونه ای انطباق یافته با شرایط ویژه ملی و بین المللی، هدف های بنیادین ما را تشکیل می دهند

افتخار بزرگ ما این است که محتوای واقعی انتخاب خود را با همان خلوص حفظ کرده ایم. آنجا که منافع مردم و میهن در میان است، آنجا که واقعیت و حقیقت حکم می کنند، فدائیان به آسانی از خود می گذرند. راز بودن ما و راز تکامل مداوم سازمان ما از همین جاست. فروتنی در برابر حقیقت و از خود گذشتگی در برابر خلق

تعمیق دهنده آن میبایست پیش برود. عدالت اجتماعی نیز میتواند بگونه یک لغت بی معنی و بی پشتوانه مورد سواستفاده بسیاری از نیروهای سیاسی قرار بگیرد. از اینرو، مدافع حقیقی عدالت اجتماعی باید خصوصاً در این دوران منظور خود را با روشی هر چه بیشتری بیان کند و بگوش مردم برساند. از نظر ما عدالت اجتماعی بر نظام ارزشی سوسیالیسم استوار است و هدف های پایدار سوسیالیسم هدف های آنرا تشکیل میدهد.

### این هدفها کدامند؟

ما اساس طرفداری از عدالت اجتماعی را مبارزه با نابرابری های اقتصادی و اجتماعی در کشور میدانیم. در جامعه ای که به طبقات تقسیم شده و عده ای از قبیل استثمار اکثریت مردم مال اندوزی میکنند، در جامعه ای که کودکان از بد تولد به فقیر و غنی و بهره مند و بی بهره تقسیم میشوند، در جامعه ای که یکی از گرسنگی می میرد و دیگری از سبزی، در جامعه ای که هزاران کسب انگلی به حساب بهره کشی از جسم و جان مردم محروم رونق یافته است، در جامعه ای که زحمتکش ترین مردم بی بهره ترین آنها هستند، یک وجدان بیدار نمیتواند ساکت بنشیند و جامعه را به جنگل زورگویان تسلیم نماید. در چنین جامعه ای، که ایران ما مظهری از آن شده است، باید با تمام توان علیه این ستمگری ها مبارزه کرد، مبارزه در راه تحقق حقوق کارگران و کارمندان و کشاورزان و دیگر کارورزان، مبارزه در راه بهره مند کردن هر چه بیشتر توده های مردم از درآمدها و ثروت های اجتماعی، مبارزه در راه محدود و محدودتر کردن دامنه بهره کشی های بیکران و چپاولگری های اقلیت حاکم، مبارزه در راه تأمین حقوق کاری زنان و کودکان، تدوین قانون کار مناسب، تأمین سیستم های تأمین برای رنجبران و دیگر تدابیر از این دست از مرز کارهایی هستند که در قلمرو مبارزه عدالتخواهان قرار دارند. هدف عام این مبارزه حرکت بسوی برابری اجتماعی و برادری در مناسبات انسانهاست. برابری و برادری آرمانهایی هستند که قرنهای پیش از این مردم محروم بدفاع از آنها برخاسته اند و امروز نیز همچنان باید از آنها دفاع کرد. برابری که در یک جامعه رشد یافته و مرفه هم شرایط عینی برابری اجتماعی بیشتر میشود و هم آگاهی به ضرورت این ستمگیری میتواند تقویت شود.

پس ما میتوانیم این آرمانها را، علیرغم شکستهایی که بر بخش، بزرگی از چپ وارد آمده است بی بگیریم. آنچه

آبستن دیکتاتوری و استبداد است. تفاوت دموکراسی و ضد دموکراسی با یک سؤال ساده آشکار میشود. آیا می پذیرید مخالفین و دشمنان سیاسی شما در کشور آزادانه حزب خود را داشته باشند و فعالیت سیاسی بکنند و برای کسب رأی مردم و غلبه بر شما در چارچوب دموکراسی مبارزه کنند؟

دموکرات میگوید آری، بدون آنکه تردید کند. ضد دموکراسی میگوید آری، اما شرط میگذارد و بوسیله این شرط آری را به نه تبدیل میکند. تنها دیوانگان صریحاً میگویند نه. از این رو، در پاسخ به این پرسش دقیقاً باید متوجه شرط های بود که نیروهای ضد دموکراسی در پس آن آری تو خالی ردیف میکنند.

به اعتقاد ما هنگامی که از آزادی و دموکراسی صحبت میشود انسان باید نه به خود بلکه به مخالف خود فکر کند و قبلاً آماده شود تا به آن مخالف حق مخالفت آزادانه و قانونی بدهد، و گرنه روشن است که هر کس برای خودش و قبیله سیاسی اش خواهان آزادی است!

مکمل آزادی رعایت است. دموکراسی یعنی رعایت، رعایت حقوق دموکراتیک و انسانی دیگران، رعایت قانون جامعه و قانون رژیم دموکراتیک. از این رو روشن است که دموکراسی به هیچ نیرویی اجازه نمیدهد که با اعمال اسلحه و خشونت به جای تکیه به آراء مردم در صدد برقرار کردن حکومت خود برآید. دموکراسی حتی فعالیت قانونی دشمنان خود را نمی پذیرد، اما اعمال اسلحه و خشونت برای پانمال کردن اراده مردم را هرگز نمی پذیرد. دموکراسی حکومت قانون است. قانونیت و امنیت دورکن بزرگ دموکراسی هستند. از اینرو انتقام جویی، قصاص، تهمت و افترا، ترور معنوی مخالفین با روح دموکراسی بیگانه اند.

صحبت کردن از دموکراسی بدون درک و پذیرش برابری همه جانبه حقوق زن و مرد صحتی عوام فریبانه است. در این باره که حقوق زن و مرد چگونه میتواند یکسان باشد نیز میتوان تفاسیر زیادی وجود داشته باشد. اما با طرح یک سؤال اولیه و ساده میتوان از همان آغاز زن ستیزان را از مدافع حقوق زن متمایز کرد. آیا می پذیرند که در انتخابات همسر، در انتخابات پوشاک، در امور فرزندان، در میراث بری، در کار، در حق رأی، در تصدی هر یک از پست های اداری، کشوری، سیاسی، قضایی و فرهنگی و غیره زنان دقیقاً همان حقوق مردان را داشته باشند؟

دشمنان آزادی زن در برابر این پرسش گاهی صریحاً میگویند نه، آنچنانکه جمهوری اسلامی میگوید، و گاهی

اهمیت دارد این است که ما مبارزه در راه این آرمانها را با شرایط امروز جامعه و جهان انطباق دهیم و سازنده ترین و انسانی ترین راه ها را برای پیشروی در سمت آنها باز شناسیم و برگزینیم.

### یک آموزش بزرگ

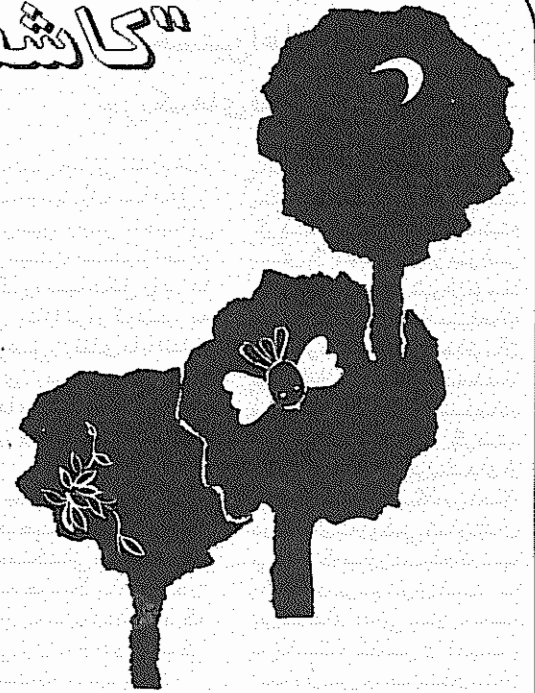
روزگاری هریک از گروه های سیاسی ایران، چه بزرگ چه کوچک، چه بالا دست و چه فرودست خواهان کسب قدرت و انحصار حکومت در دست خود بودند. چنین ادعاهایی اگر چه برای بسیاری مضحک بود برای بسیاری نیز ممکن الحصول بود، چنانکه شد. امروز هم نه تنها حکومت بلکه نیروهای زیادی از مخالفین حکومت نیز کماکان به انحصارگری، خود پرستی گروهی، تلاش برای کسب و انحصار قدرت سیاسی و کوشش برای تروژ معنوی و نابودی سیاسی نیروهای غیر خودی ادامه میدهند. هر نیروی سیاسی ایرانی در کشف نقاط ضعف دیگران و در دست کردن نقاط ضعف برای دیگران بیشتر از بسیاری کارهای دیگر ماهر است.

در شرایطی که کشور در خطر انهدام است این گرایشها جز تخریب بیشتر حاصلی نخواهند داشت. در یک کشوری قانون و در یک جنبش بی پرستی روشن است که میتوان به ترور معنوی اقدام کرد. میتوان بدون ارائه سند و بدون ترس از محکمه به تحلیل "فکر و پشت فکر" ها و "گرایش ها" و غیره اقدام کرد و با توسل به این وسایل آنچه را که برای کوبیدن و نابود کردن مخالف فکری خود لازم میدانیم به اونست بد هیم و وضعفای ضرور را در او تعبیه کنیم. در کشوری که ترور جسمی دگراندیش مثل آب خوردن است ترور فکری او دیگر کار دشواری نیست.

اما چنانکه کسی واقعاً بفکر کشور و مردم خود باشد، چنانکه کسی دارای وجدان خدمت باشد، چنانکه برای کسی هر خدمتی به کشور اهمیت داشته باشد، آنگاه دیگر دست یازیدن به این روشهای مخرب و تفرقه افکن دشوار و دشوارتر میشود و ما یاد میگیریم که بجای تهمت زدن و خصومت نخست در پی کشف خوبی ها و خدمت ها در وجود هر جریان سیاسی باشیم. انسان خادم هر خدمتی را، و لوازمی استبداد حاکم از نظر دور نمیدارد. انسان خادم و مسئول امروزی باید در پی آن باشد که فرهنگ تفرقه، فرهنگ اختلاف افکنی و خصومت تضعیف گردد و در عوض ایرانیان بیا موزند تا با دید مثبت تری به یکدیگر بنگرند. کشور ما، مبارزه ما، مبارزه برای آزادی و دموکراسی، مبارزه برای نجات خودمان از خطر مردم نزدیک شونده تلاشی ملی، در گرو کشف یک وجه همگرایی و همکاری در مقیاس ملی است. چنین روحیه ای دقیقاً در خدمت آن دموکراسی است که ما خواهان تأمین آن هستیم.

روحیه همگرایی و اتحاد بر پایه خدمت به مردم و کشور، در جای روحیه نفاق و ستیزی و خود پرستی فردی و گروهی، این آموزشی است که باید آنرا جذب کرد. سازمان ما این آموزش را دره ذره و در طول بیست و چهار سال نبرد توانسته جذب کند، و این آموزش اکنون یکی از مشخصات سیاست سازمان ماست. فدایی به این خاطر این نام را برای خود اختیار کرد تا نشان دهد که نه برای خود بلکه برای مردم کشور خود مبارزه میکند و بعکس بسیاری دیگر آماده است تا خود را فدای مردم و میهن خود کند. افتخار بزرگ ما این است که محتوای واقعی این انتخاب را کماکان با همان خلوص حفظ کرده ایم. آنجا که منافع مردم و میهن در میان است، آنجا که واقعیت و حقیقت حکم میکنند فدائیان به آسانی از خود میگذرند. راز بودن ما و راز تکامل مداوم سازمان ما از همین جاست. فروتنی در برابر حقیقت از خود گذشتگی در برابر خلق.

# کاشفان فروتن شوکران و شعر دهه پنجاه



## دوره سیاهکل تا سقوط سلطنت (۱۹ بهمن ۴۹ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷)

محمد رضا شفیعی کدکنی

دوره دیگری که از لحاظ عوامل اجتماعی دارای اهمیت است از ۱۹ بهمن ۴۹ (قیام مسلحانه سیاهکل) شروع میشود و تا پایان عصر سلطنت ادامه دارد. دوره‌ای که شعرای جوانتری در آن فعالیت دارند و شکفتگی شعریشان مربوط به این دوره است.

چهره‌های این دوره بعضی ادامه دوره قبل هستند و بعضی از جوانترها هستند: شاملو، زهری، کسرائی، خسرو گل‌سرخ، اسماعیل خوئی، نعمت آرم، میمنت میرفطروس، رضا مقصدی، سعید پوسف و شاعران جوانی که در کتاب "شعر جنبش نوین" (انتشارات توس تهران ۱۳۵۷) نمونه‌های آثارشان را می‌بینید و من تا این کتاب نشر نیافته بود نام بسیاری از آنها را شنیده بودم. شاعرانی که بعضی خود در نبرد مسلحانه کشته شده‌اند مانند سعید پایان یا مرصیه احمدی اسکویی.

اینها مشران جنگ مسلحانه یا ستايشگران آن هستند که در شعرشان از آن ناامیدی و پذیرفتن، دیگر، خبری نیست و برای آنها دوره "ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد" پایان گرفته است اگر چه فروغ، خود، نخستین مشر جنگ‌های چریکی و مبارزه مسلحانه می‌تواند به حساب آید وقتی که می‌گوید:

حیاط خانه ماتمباست  
حیاط خانه ماتمباست  
تمام روز  
از پشت در صدای تکه تکه شدن می‌آید  
و منفجر شدن

همسایه‌های ماهمه در خاک باغچه‌هاشان بجای گل  
خیماره و مسلسل می‌کارند  
همسایه‌های ماهمه بر روی حوض‌های کاشیشان  
سرپوش می‌گذارند  
و حوض‌های کاشی  
بی آنکه خود بخوانند  
آنها را مخفی یا ورتند  
و بچه‌های کوچک ما کیف‌های مدرسه‌شان را  
از میزهای کوچک پر کرده‌اند.  
حیاط خانه ما گنج است

بر روی هم مبارزه مسلحانه‌ای که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در سیاهکل آغاز کرد و ستیز حماسه‌واری که در کنار آن سازمان مجاهدین خلق ایران به راه انداخت مفهوم مبارزه و بینش اجتماعی نسل جوان، یعنی اکثریت جامعه مارا، دگرگون کرد. با این جنگ مسلحانه، جو روحی و طرز تلقی مردم از مبارزه عوض شد و طبعاً شعر نیز از این فضای ارغوانی آمیخته به دود مسلسل، تأثیر پذیرفت.

صداهایی که درین دوره بیشتر شنیده میشود صدای شاملواست:

کاشفان چشمه  
کاشفان فروتن شوکران  
جویندگان شادی و درمجرای آتشفشانها  
شعبده‌بازان لیخند در شبکاه درد  
با جاپاتی ژرف ترازشادی  
در گذرگاه پرندگان  
در برابر تندری ایستند  
خانه‌را روشن می‌کنند  
و می‌میرند  
صدای اسماعیل خوئی:  
برگ حقیر برگ

مبارزه‌ای که از سال ۱۳۴۹ با حرکت حماسی سیاهکل آغاز شد نه تنها گستره سیاسی جامعه بلکه همه عرصه‌های آن را کم و بیش از خود متأثر کرد. این تأثیر ویژه در زمینه‌هایی همچون ادبیات و هنر نمودی چشمگیر یافت و در شعر، تئاتر، داستان نویسی، سینما و... به این یا آن شکل جلوه‌گر شد. یاس، نویدی و درونگرایی سیاسی و فلسفی که از پس کودتای ۲۸ مرداد بر هنر و ادبیات سخت سنگینی می‌کرد، با شروع جنبش سیاهکل رنگ باخت و مسائل سیاسی و اجتماعی به محور اصلی آفرینش‌های ادبی و فرهنگی بدل شد. محافل و گروه‌های اجتماعی و فرهنگی از رهگذر این آثار، گرایشی فزونی‌تر به روندها و مسائل سیاسی و اجتماعی نشان دادند. و گاه تنها انتظارشان این بود که هنرمند در اثر خویش صرفاً به بیان و تصویر این مسائل بپردازد. بحث و چالش درباره هنر و ادبیات متعهد و غیر متعهد نیز طبعاً تابع این گرایش‌های جدید شد و دفاع از هنر غیر درگیر و یا هنری که نخواهد بر کنار آفتاب و تاب‌های زمانه تنها به ذات خویش وفادار بماند به امری مشکل و تقریباً غیر ممکن بدل گشت. در این میان اما از یکسو حرف کسانی که ضمن باور به درگیری و تأثیر هنر از عرصه‌های مختلف زندگی، بر ارزش کیفی و هنری آثار نیز تأکید داشتند بعضاً نادیده گرفته شد و از دیگر سو گهگاه برخی کارها و آفرینش‌ها که به لحاظ ارزش‌های هنری کم مایه بودند تنها بخاطر طرح نکات و مسائل اجتماعی و سیاسی قدر و منزلتی وافر یافتند و دیگران نیز به تاسی از این "هنر آفرینی"ها فراخوانده شدند. با این همه، این نکات منفی و یا نکات دیگری از این دست را باید در چارچوب تحول هنری متأثر از جنبش سیاهکل و مبارزات بعد از آن مورد بررسی قرار داد و آن را تنها در قیاس با جنبه‌ها و ارزش‌های مثبت این تحول به بوی سنجش نهاد.

شعر از یرباز به دلیل مختلف، سرآمد و مطرح‌ترین گونه هنری در جامعه ایران و حامل آموزه‌ها، دیدگاه‌ها و یادمان‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی، فلسفی و فرهنگی ما بوده است. حداقل تا مقطع انقلاب بهمن شعر فارسی دارای چنین نقش و کارکردی بوده و طبعاً در فاصله سالهای ۴۹ تا ۵۷ نیز بیش از همه هنرها، ویژگی‌ها و روندهای جاری این برهه را در خود بازتاب داده است. هم از این رو بررسی تأثیرات ناشی از سیاهکل و حرکت‌های پس از آن را بیش از همه می‌توان در شعر آن دوره باز یافت، آن هم بویژه در شعر شاملو که هم به لحاظ مضمونی و هم به لحاظ ارزش‌های هنری ارزشمندترین و برجسته‌ترین شاعران این دوران است.

آنچه که در پی می‌آید نگاه دو تن از شاعران و منتقدان معاصره شعر پس از سیاهکل است که یکی، یعنی محمد رضا شفیعی کدکنی از شاعران مطرح همان دوران و دیگری، متعلق به نسل متأخر و کنونی شعر ایران است. کدکنی به طور مختصر به برخی از ویژگی‌های شعر پس از سیاهکل اشاره میکند و مختاری با بحثی ویژه تر درباره این دوره، "تأثیر شعر شاملو از آن را بازمی‌نماید و سپس به ارزیابی دیدگاه نهفته در این نوع شعر می‌پردازد. مطلب اول تحت عنوان "دوره سیاهکل تا سقوط سلطنت از کتاب "ادوار شعر فارسی" (چاپ اول ۱۳۵۹) نوشته شفیعی کدکنی برگرفته شده است و مطلب دوم با عنوان "ستایش دیگر گونه مردان" صفا حقی است از کتاب "انسان در شعر معاصر" (چاپ اول ۱۳۷۲) نوشته محمد مختاری.

گفتم، است که هر دو مطلب به دلیل حجم کم صفحات نشریه تا حد و دی خلاصه شده‌اند.

پایان فصل‌های شکفتن نیست  
و صداهای دیگر.

زبان و موسیقی و تخیل و فرم شعر، در حقیقت ادامه همان دوره است زیرا ظرفیت آن آن گونه تجربه‌ها، بی‌مایه گرفتن از محیط زیست شاعران به پایان رسیده است و اینکه هنگام آن رسیده که یک قرن تجربه شعری در خدمت زندگی درآید و درآمده است. عوامل اجتماعی این تحول، آغاز مبارزه مسلحانه است و عوامل اقتصادی که جنگ مسلحانه را تنها راه مبارزه می‌شناساند. بلحاظ فرهنگی نشر مقدار دیگری از ترجمه شعر فرنگی و نیز ادبیات زیرزمینی و گروهی، ادبیات به معنی وسیع کلمه.

## ستایش "دیگر گونه مردان"

محمد مختاری

سرود ابراهیم در آتش "آغاز این ستایش دوباره است. ستایش برگزیده‌گی و برگزیدگان آغاز طرح کامل چشم‌انداز آرمانی نخبگان. گویی مبارزه چریکی دهه پنجاه، نمود ادبی خود را در شعر شاملو ارائه می‌کند:

من اینجا پاسفت کرده‌ام  
که همین را بگویم  
اگر چند  
دور از آن جای که باید باشم  
زندانی سرکش جان خویشم و  
بی من  
آفتاب  
برشالیزاران دره زیرآب  
غریب و دلشکسته می‌گذرد

(ابراهیم در آتش ص ۳۴-۵)

زمانی یک شاخه درسیاهی جنگل به سوی نوری فریاد می‌کشید. و شاعر تداوم و حضور معنوی را در آن تصویر می‌کرد، می‌بیند که:  
مردی چنگ در آسمان افکند،  
هنگامی که خورشید فریاد و  
دهانش بسته بود.  
خنجی خونین  
بر چهره ناباورایی!

(ابراهیم... ص ۱۵)

اگر آن تصویر معنویت حضور یا حضور معنوی از سر ایمان بر می‌آمد، این چهره عشق درست در عین ناباوریه را می‌نماید. و آن درون، و آن انتظار همواره پنهان، و آن خاصیت گرایش به کارایی آدمی را دوباره بر می‌انگیزد.  
اکنون درست هنگامی که می‌گوید: مسافرت‌ها، با آتش حقیرت، در سایه سارید، چشم انتظار کدام سپیده دمی؟ (ص ۱۳۰ ابراهیم... ص ۱۵) درمی‌یابد که:  
مردان از راه‌کوره‌های سبز  
به زیر می‌آیند  
عشق را چونان خزه‌ای  
که بر صخره

انکار خویش بوده است. به سبب "آری گفتن" به آنچه شایسته آدمی نیست بوده است. زیرا تنها یک قانون یعنی سرباز زدن، انکار، نه "در میان است تا آدمی دگرگون شود. شدن آدمی موکول بدین نه، بدین انکار است.

فرق میان بودن و نبودن در همین انکار و پذیرش است. همچنان که فرق میان انسان و ناانسان نیز در همین نهفته است. انسان تنها همان انسان برگزیده است که به پستی و حقارت و مردگی می‌گوید نه. و غیر از او هر چه هست "مرد" است. مردگان همان‌ها نیستند که هیچ کاری نمی‌کنند، یا می‌پذیرند و می‌گویند "آری".

این سو:  
آن کوبه یکی "آری" می‌میرد  
و نه به زخم صد خنجر  
و مرگش در دنی رسد  
مگر آن که در تب و هن  
دق کند.

(ص ۱۵۴ ابراهیم)

و آن سو:  
دل به دریا افگن‌اند، به پای دارنده آتشها  
زندگانی  
دو شاد و شو مرگ  
پیشاپیش مرگ  
هماره از آن سبب که با مرگ  
و همواره بدان نام  
که زیسته بودند  
که تباهی  
از درگاه بلند خاطر ه‌شان  
شرسار و سرفاکنده می‌گذرد.

## بچه‌های اعماق

اما ویژگی انسان برگزیده این دوره این نیز هست که از همین بچه‌های "اعماق" است. آدمی است معمولی و عادی که به چنین عظمت دست می‌یابد. عظمت انسان از خردترین اجزای زندگی انسانی سر بر می‌آورد. اسطوره عیش و عشق از اعماقی آشکار می‌شود که جایگاه دهن همه ارزش‌های انسانی شده است. اعماق فقر و رنجی که گورستان فضیلت شده است. زندگی پر مشقت حقیری که همه را گرفتار عذاب و وهن خویش کرده است:

در شرب پی خیابان می‌بالند  
در شیکه مورگی پس کویچه وین بست  
آغشته دود کوره و قاچاق و زرد زخم  
قاب رنگین در جیب و تیر کمان درد دست  
بچه‌های اعماق  
بچه‌های اعماق.

(ص ۱۷ ترانه‌های کوچک غربت) ۱۳

با تلاق تقدیری بر ترحم راه برایشان بسته است، و خشم پدرانی بد رفقه راه آنان است که خود از دشواری استخوانسوز این هستی روزمره خسته‌اند. انسان‌هایی به دشنام آنان می‌پردازند که خود از خون و عاطفه به آنان متصلند، اما آنچه آنان را از همین عاطفه باز می‌دارد، همان راه ناگزیری است که اینان برگزیده‌اند. از همین خردی می‌توان عظمت انسان را اعلان کرد. و آنکه در این منجلا ب مانده است، خود نمی‌داند که سلاله اش به پاس شرف خود او، در راهی حجابی امید گام نهاده است. راهی که اگر چه بی‌امید فردایی است، شایسته آدمی است:

بر جنگل بی بهار می‌شکفتند  
بر درختان بی ریشه میوه می‌آوردند  
بچه‌های اعماق.  
با خنجرهای خونین می‌خوانند و چون از پای  
درآمدند

درفشی بلند به کف دارند  
بچه‌های اعماق.  
این بچه‌ها قرار و قاعده عظمت خواهی را نیز بر هم زده‌اند. آن هم در این شب قیرین هجرت و هجرانی که ممکن است:

این آفتاب  
هم آن مشعل کال (باشد)  
بی شبنم و بی شفق  
که نخستین سحرگاه جهان را آزموده است.

(ترانه‌ها... ص ۱۱)

اکنون یک صدای میهنی، شاعر را در هجرت و هجرانش به صدای این قهرمانان می‌پیوندد. صدای رویش خود را می‌شنود از همان دره‌های غربت. در:  
رپ رپه طلب‌های خون  
در چیتگر  
و نعره بیهوش‌های عاشق  
دردیلمان.

(ترانه‌ها... ص ۱۳)

ناگزیر است  
بر بیکره‌های خویش می‌آورند.  
وزخم را بر سینه‌هاشان.  
چشم‌اشان عاطفه و نرفت است  
و دندان‌های اراده خندان‌شان  
دشته معلق ماه است  
در شب راهزن.

(درد پس ص ۱۷)

پس زبانش گشوده می‌شود به آنچه به راستی همواره چشم‌براه و آرزومندش بوده است:  
در آوار خونین گرگ و میش  
دیگر گونه مردی آنکه، که خاک را سبزی خواست  
و عشق را شایسته زیباترین زنان.

که اینش  
به نظر  
هدیتی نه چنان کم بها بود  
که خاک و سنگ را بشاید.  
چه مردی! چه مردی!  
که می‌گفت

قلب را شایسته تر آن  
که به هفت شمشیر عشق  
در خون نشیند  
و گلور را بایسته تر آن  
که زیباترین نام‌ها را  
بگوید.

و شیر آهن‌کوره مردی از این گونه عاشق  
میدان خونین سر نوشت  
به پاشنه‌ی آشیل  
در نوشت.

روینه تنی  
که از سر مرگش  
اندوه عشق و  
غم تنهایی بود.

(ابراهیم... ص ۲۷-۸)

آنگاه خاستگاه قهرمان را در دل کل، و حاصل  
تفاوتش را با دیگران چنین می‌نماید:  
صدایی بودم من شکلی میان اشکال،  
و معنایی یافتم.  
من بودم  
و شدم  
نه زن گونه که غنچه‌ای  
کلی

پاریشه‌ای  
که جوانه‌ای  
یا یک دانه  
که جنگلی  
راست بدان گونه  
که عامی مردی  
شبهیدی!  
تا آسمان بر او نماز ببرد.

(ص ۲۰)

پس این قابلیت است که در ذات انسان است. و همگان می‌توانسته‌اند آن را حفظ کنند. اما اگر از دست شده است به سبب همان پذیرفتن طبل و خا کساری و

# جنبش ما چگونه

## آغاز شد

### نخستین اعلامیه "چریک‌های فدایی خلق"

پاسگاه کلانتری حمله کردند و یک قبضه مسلسل به غنیمت گرفتند. در سال گذشته بیش از ۴۰ بانک در سراسر کشور، خصوصاً در تهران توسط چریک‌ها مورد حمله مسلحانه قرار گرفت و میلیون‌ها تومان پولی که از مردم مازندیده شده، مصادره شد و مورد استفاده مبارزه انقلابی قرار گرفت. یورش قهرمانانه چریک‌های از جان گذشته به پاسگاه سیه‌هکل در گیلان به روشنی تمام نشان می‌دهد که مبارزه مسلحانه تنها راه آزادی مردم ایران است. ما چریک‌های فدایی خلق با حمله به پاسگاه کلانتری قلیک و اعدام فرسوی جنایتکار نشان دادیم که راه قهرمانانه سیه‌هکل را ادامه خواهیم داد...

فدایان در نخستین اقدام خود پس از اعدام مبارزان سیه‌هکل، سرتیپ فرسیو، رئیس دادستانی ارتش، و مسئول مستقیم اعدام رفقای گروه سیه‌هکل را در ۱۸ فروردین ۱۳۵۰ ترور کردند. به دنبال این عمل، رفقای ما با انتشار بیانیه‌ای رسماً موجودیت "چریک‌های فدایی خلق" را اعلام داشتند. در این اعلامیه آمده است:

هر جاذب هست، مقاومت و مبارزه هم هست... ما فرزندان این‌بوه‌خمتکشانی هستیم که در طول صدها سال با افشاندن خوششان به ما یاد داده‌اند که چگونه می‌توان به آزادی و زندگی شرافتمندانه دست یافت... مبارزه چریکی شروع شده است. در تیریز چریک‌ها به یک

سرهنگ محاصره شدیم! آنها شروع به شلیک کردند. علی‌رغم آنکه چریک‌ها برای تسلیم آماده شده بودند. نیروهای رژیم وحشت زده به روی آنان آتش گشودند. در جریان این تیراندازی رفقا مهدی اسحاقی و رحیم سمعی به شهادت رسیدند و عباس دانش بهزادی و احمد فرهودی دستگیر شدند. محمد علی محدث قندچی نیز که در جریان نخستین نبرد از سایر رفقا جدا شده بود، پس از ۸ روز سرگردانی دستگیر شد.

### برپایی جوخه‌های اعدام

رژیم بی‌درنگ رزمندگان سیه‌هکل را همراه با سایر رفقای که پیش از آن دستگیر کرده بود، به محاکمه کشید. دادگاه عادی به ریاست سرتیپ عبداللّه خواجه‌نوری در تاریخ ۱۶ اسفند آغاز شد و ۱۳ تن از افراد گروه سیه‌هکل را به جرم "توطئه به منظور به هم زدن اساس حکومت، شرکت در قتل عمد، عضویت در دسته و جمعیتی با مرام و رویه اشتراکیت و..." به مرگ محکوم کرد. دادگاه تجدید نظر به ریاست سرلشکر احمد بهرون در تاریخ ۲۴ اسفند ماه، به اتفاق آرا حکم دادگاه عادی را تایید کرد. تقاضای فرجام خواهی از سوی شخص شاه مورد مخالفت قرار گرفت و در سیه‌دهم ۲۶ اسفند ماه، در میدان چیتگر تهران فدایان خلق: علی اکبر صفایی قراهانی، اسکندر رحیمی مسیحی، شعاع‌الدین مشیدی، غفور حسن پوراصیل، اسماعیل معینی عراقی، هوشنگ نیری، هادی فاضلی، عباس دانش بهزادی، هادی بنده خدا، لنگرودی، ناصر سیف دلیل صفایی، جلیل انفرادی، محمد علی محدث قندچی و احمد فرهودی تیرباران شدند.

بدینگونه رژیم با شادمانی و هیاهوی بسیار فرونشاندن غائله سیه‌هکل را اعلام داشت، اما "غائله" بزرگتر تازه در راه بود. در سیه‌هکل شعله‌ای افروخته شد که خیال خاموشی‌نداشت.

های درگیر، سنگ‌های متواریان را که در داخل دره پوشیده از درختان شمشاد قرار گرفته بود با به کار بردن اکیپ سروان آتشی در جناح شرقی و سروان اصلانی در جناح غربی و اکیپ ستوان فرهادی در جناح جنوبی محاصره می‌نمایند و سپس با اجرای آتش تهیه شامل خمپاره‌انداز ۶۰، مسلسل ۶۲ و تفنگ‌های تک‌تیر و تفنگ برنو سنگ‌های متواریان را به دفعات مورد حمله قرار داده و با فرار رسیدن تاریکی شب حلقه محاصره وسیله اکیپ‌های درگیر تنگ‌تر گردیده و با اجرای تیراندازی خمپاره با گلوله‌های متورین مراقبت‌های موجود افزوده شد...

اما علی‌رغم بسیج این لشکر عظیم، رژیم باز هم از قلع و قمع چریک‌ها ناتوان ماند. افراد باقی مانده به دلیل درگیری‌های خسته کننده، گرسنگی و بی‌وزن‌تر شدن، که برداشته بودند، آماده تسلیم شدند. این تصمیم بسیار دشوار گرفته شد. احمد فرهودی پی‌نویسد:

سربستی گروه چهار نفری به عهده مصطفی افتاد. در چندین روز در فواصل مختلف سه بار محاصره شدیم که پس از غروب آفتاب از محاصره خارج می‌شدیم تا آخرین روز رفیق ما مصطفی از ناحیه کتف و ران گلوله خورد. بهمن پیشنهاد تسلیم داد. رفیق ما مصطفی گفت نه، ما تا آخرین گلوله خواهیم جنگید. ولی پس از طی دو ساعت حالت ضعف که به مصطفی دست داده بود شدید شد. قرار گذاشتیم هر جا آنها ایستادند، تسلیم شویم. از خط محاصره رد شدیم. پس از طی مسافتی به چراغی رسیدیم. آنجا می‌خواستیم راهنمایی بگیریم. پیش‌بینی می‌کردیم در این منزل آرتشی باشد. به ما فرمان ایست داده شد. مصطفی فریاد زد: کسانی هستیم که که در محاصره بوده‌ایم، آماده تسلیم شویم. یک نفر از میان آنها داد زد: جناب

نموده‌اید که پنج نفر از متجاسرین محاصره هستند و در گزارش ۲۷۷/۱۱/۳۰ تصریح شده است که آنها دیده نشده، مسلماً ما مورین غفلت نموده و سندی بی‌لیاقتی خود را تسلیم شما نموده‌اند. چون این قصور غیر قابل گذشت می‌باشد چنانچه در اسرع وقت دستگیریا قلع و قمع نشوند شما و سروان اصلانی تسلیم داد گاه زمان جنگ خواهید شد...

چریک‌ها پس از درگیری در بلندی‌های کاکوه و بیست و چهار ساعت راهپیمایی به آبادی "توسا" گشت رسیدند. روستایان تحریک شده و عوامل ساواک محل آنها را به مامورین اطلاع دادند، اما چریک‌ها قبل از رسیدن مامورین، دهکده را ترک کردند. نبرد دوم در اطراف این دهکده روی داد. رفقای ما در جنگل‌های پوشیده از درخت شمشاد سنگر گرفتند. انبوه بیشمار ماموران مسلح آنها را از هر سو در میان گرفتند. بارانی از گلوله از زمین و هوا به سوی چریک‌ها باریدن گرفت. در گزارش ژاندارمری کل کشور آمده است:

در ساعت ۹/۳۰ روز ۱۴/۱۱/۴۹ اکیپ تحت فرماندهی سروان آتشی در ارتفاعات پوشیده از درختان انبوه مشرف به آبادی گومل بالا باقیه متواریان برخورد می‌نماید... در این موقع سرهنگ ۲ ابراهیمی با دو فرزند هلی کوپتر در معیت تعدادی افراد ژاندارم مسلح و راهنمایی یکی از دستگیر شدگان به منظور کشف محل اختفای اسلحه... در بالای ارتفاعات کاکوه در پرواز بود. به وسیله تیمسار سرلشکر محقق انسر اعزامی از مرکز و هم‌آهنگ کننده عملیات در قرارگاه ستون عملیات به وی ابلاغ می‌شود که بایک فروند هلی کوپتر حامل خود به محل برخورد، عزیمت و با پرسنل درگیر، افراد متجاسر را محاصره و آنان را قلع و قمع نماید.

آنان بورش آوردند. در این زمان از تیم کوه تنها سمعی، اسحاقی، قندچی، فرهودی و دانش بهزادی باقی مانده بودند. تیراندازی از دو سو چند ساعت ادامه یافت، اما به دلیل مه غلیظ و فرار سیدن شب، خاتمه یافت. عباس دانش بهزادی درباره این درگیری چنین نوشته است:

توجیه (صفایی قراهانی) و جواد (جلیل انفرادی) و علی (هوشنگ نیری) رفتند علی رابه نزدیک جاده برسانند. گفتند اگر ما می‌آیدیم شام بخورید ما فردا می‌رسیم. ضمناً قرار مخصوصی با مصطفی (محمد رحیم سمعی) گذاشته بودیم. گفتیم اگر محلی آمد چه کنیم؟ گفت بابا در اینجا هیچکس نمی‌آید. من و بهمن (مهدی اسحاقی) و ستار (احمد فرهودی) نشستیم و کتاب می‌خواندیم و نقشه‌ها را بررسی می‌کردیم. اسماعیل (محمد علی محدث قندچی) ننگبان بود و مصطفی به خودش مشغول بود که خبثت داد اسماعیل، یک محلی گفتیم اسلحه را پنهان کن. من بالا رفتم تا ببینم چه کسی هست. بهمن از دنبال من بود. ناگهان چشمم به ژاندارم خورد. گفتم بچه‌ها ژاندارم! آنها به طرف من تیراندازی کردند. من روی زمین برفی خزیدم خود را به پشت درخت رساندم همه به پشت سنگری رفتیم مسلسل چی‌ها چند تیر جواب دادند. آنها هم شلیک کردند.

رفقای جنگل با دیدن عقب نشین شدن رژیم دم به دم بر تعداد نیروهای خود می‌افزود. اما از دستگیری چند چریک از جان گذشته عاجز مانده بود. ارتشید اویسی ژرمانده کل ژاندارمری در تلگرامی که به تاریخ اول اسفند به فرمانده هنگ ژاندارمری رشت فرستاد، خشم و نگرانی رژیم را چنین بازتاب داده است:

در گزارش ۴۹/۱۱/۲۶۳ صراحتاً اعلام

### خمینی چه گفت؟

ترکیه "نظارات عظیم دانشجویان چپ در آن کشور بود که به گروه‌گان گیری دو تن از افسران ارتش آمریکا منجر شد. اما اعتبار معنوی که سیه‌هکل و مبارزه فدایان برانگیخت، عظیم تر از آن بود که حتی رهنمودهای خمینی به پیروانش، بتواند در آن خدشه‌ای وارد آورد. اتحادیه انجمن‌های اسلامی که این پیام را در نشریه "اسلام" مکتب مبارز به چاپ رساند، جمله "نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیه‌هکل را از متن پیام حذف نمود."

خمینی نیز در برابر رویداد سیه‌هکل واکنش نشان داد. او در پاسخ به نامه مسئول اتحادیه انجمن‌های اسلامی در اروپا، سیه‌هکل را عملی برای "تحکیم اساس حکومت استعماری" خواند و نوشت: "باید حادثه سازی‌ها و شایعاتی را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیه‌هکل".

### جنبش چریکی از نگاه آمار

۳۰۶ نفر به شرح زیر شناسایی شده است: ۲۰۸ تن (۶۱ درصد) روشنفکر، ۲۶ تن (۹ درصد) کارگر، ۳ تن کاسب و یک تن روحانی. از ۳۰۶ نفر فوق‌تنها ۱۰ نفر بیش از ۳۵ سال سن داشته‌اند. ۳۹ تن از جان باختگان زن بوده‌اند. از ۳۴۱ شهید جنبش مسلحانه ۱۷۲ تن (۵۰ درصد) فدایی بوده‌اند. از مجاهدین خلق ۷۳ تن، از گروه‌های دیگر مارکسیستی ۲۸ تن، از بخش انشعابی مجاهدین (سازمان بیکار) ۲۰ تن و از گروه‌های اسلامی کوچک ۲۸ تن کشته شدند.

از ۱۹ بهمن تا انقلاب بهمن ۵۷، که فدائیان خلق به مبارزه مسلحانه پایان دادند، ۳۴۱ چریک و افراد وابسته به گروه‌های مسلح سیاسی در مبارزه با رژیم شاه جان خود را از دست دادند. از این تعداد ۱۷۷ نفر در نبردهای مسلحانه کشته شدند، ۱۰۰ نفر توسط دادگاه‌های نظامی و برخی نیز بدون محاکمه تیرباران گردیدند. ۴۲ تن زیر شکنجه جان باختند، ۷ نفر پیش از دستگیری خود کشی کردند و سرنوشت ۱۵ نفر نیز معلوم نشد. ۳۴۱ نفر مشخصات

## کاشفان فروتن شوکران...

نمی‌تواند جای همه ضرورت‌ها بنشیند. ذات این گرایش از سرخیز و صلاح آدمی، ویا آرزوی آینده‌ای نیک و شایسته برای او پدید می‌آید، اگر چه در دل ما جریا به سمتی می‌گراید که خود آن را نه می‌پسندیده و نه می‌طلبیده است.

اوبه راستی در همه حال خود را چنین می‌یافته است: دیرگاهی است که من سر اینده خورشیدم و شعرم را بر مدار مفهوم شهاب‌سپای سرگردانی نوشته‌ام که از عطش نور شدن خاکستر شده‌اند.

(هوای تازه ص ۲۵۷)

اما هر چه باشد آن بی‌آمدها نیز از همین نقطه عزیمت فرا آمده‌اند. جنبه تراژیک چنین گرایش شورانگیزی نیز در همین است که ضرورتی است مثبت که منفی زاست. و امروز جهان در جهتی می‌رود که درنگ بیشتری را بر این گونه گرایش به نمایش می‌گذارد.

روزگاری رزی دبره دردها هفتاد نوشت: تاکنون، مردم بدون سلاح، شکست خورده‌اند. جنبش‌های مسلح بدون مردم نیز شکست خورده‌اند. و به امید روزی بود که یک نقد سازنده بتواند راه را برای پیروزی مردم مسلح باز کند.

اما اکنون دردها خود (دربی آنچه در دهه هشتاد پدید آمد) طرح‌های دیگری برای پیروزی انسان ارائه می‌شود. قدرت معرفتی انسان و ناگزیری رژیم‌ها، درک حضور آگاه و شان خردمندان آدمی (اگر چه در بخشی از جهان) راه‌های دیگری را پیش پای می‌نهد.

بوده‌ایم، و از اول هم مصلحت‌اندیشی یا سیاست‌های مصالحه‌جویانه مان درست بوده است.

پیدا است که هر نقد و نظری، برای گشودن راه به جلو است. به همین سبب نیازی به تأکید نیست که بسن هر راهی بر او پسگرای و بازگشت به عقب نیز خود به خود در آن نهفته است. به هر حال انتقاد در این حرکت، برای ساکنان قلعه‌های سنت ایستار می‌نماید گشاید.

ج‌با انتقاد از او انگار در پسم صرفاً از این بابت نیست که خطایش در مرحله بعد روشن شده است. بلکه درک من این است که آنچه در ذات این گرایش یا در ساخت این نوع اندیشه و عمل نهفته است، خود به نتایجی منفی نیز منتهی می‌شود. و دشواری‌هایی پدید می‌آورد که اجتناب ناپذیر است. و تنها موقعیتهای تاریخی نیست که آنها را با مشکل روبه‌رو می‌کند. بلکه در این گرایش مشخصات و عواملی هست که خواه ناخواه بی‌آمدهایی متناسب با خود دارد.

دنيا این همه از این بابت نیز باید به او انگار در پسم نگرینست که آنچه در یک مرحله تاریخی-اجتماعی ضرورت به حساب می‌آید یا الزامی تصور می‌شود، الزاماً قابل سرایت و تعمیم به کل تاریخ بشری نیست. و به همین سبب، مشکل از آنجا پدید می‌شود که هم این گرایش به ضرورت پدید می‌آید، و هم به رغم اصرار پیش‌تازان،

مخالفان عوامل منفی یاد شده است. به همین سبب نیز ستایش از عمل قهرمانان به سبب ضرورتش در چنین موقعیتهایی یک امر بدیهی و طبیعی است. وقتی مبارزه درگیر می‌شود. خود به خود عمل قهرمانی آنها بی‌که سداها را می‌شنوند، و دیگران را به پاینداری و رویارویی می‌خواند، و با رفتار و شهامت و ایثارشان خطر میکند و راه می‌گشایند، ستودنی و ستایش‌انگیز است. و هر گاه چنین پدیده‌هایی در عرصه زندگی و مبارزه پیدا شده یا پیدا شود، همگان به بزرگداشت آن پرداخته‌اند و باز هم می‌پردازند. این یک اصل و گشش همیشگی است و تخطی هم نمی‌پذیرد. کل حیات بشر نیز گواه این مطلب است. و اگر انتقادی هم بر این مساله وارد باشد، درست با توجه به چنین ضرورت و جنبه مثبتی است.

ب‌با انتقاد از او انگار در پسم تأییدی عملی سیاسی و مبارزاتی پخماگان، و سیاست‌گزاران حرفه‌ای مناشاتگر، و با تأیید نمودهای پخماگی و ابتدال و بندگی و بی‌فضیلتی در زندگی معمول و عادی نیست.

نقد این گرایش نمی‌تواند وسیله‌ای باشد در دست این گونه کسان که به همین وضع واقعا موجود بسنده کرده‌اند، و همواره هوادار سادات ساکن و سناکت خویشینند. تا تصور کنند که آری پس این ماییم که در برابر همه آن عمل، گرایشها و نخبه‌گرایانها... همیشه برحق

... به هر حال، در آغاز گفته‌ام که در جامعه ما، همیشه مفهوم مبارزه مستلزم مفهوم ستیزه‌ای بوده است. از اینرو خواه ناخواه راه قهرمان‌گرای پیش پای مبارزان گسترده بوده است. وقتی مبارزه و انقلاب نتواند با سازمان خود پیش برود، ناچار می‌خواهد با قهرمان پیش برود. حال آنکه هر چه یک وضعیت انقلابی مطلوب‌تر باشد، نیازی به کارهای بزرگ قهرمانی، برای برانگیختن مردم کمتر خواهد بود.

عوامل اساسی در رویکرد ناگزیر به خطر پذیری قهرمانی را می‌توان چنین دانست:

- ۱- وسعت دیکتاتوری
- ۲- انفعال توده‌ها
- ۳- روش مماشات پخماگان و سیاست‌گزاران حرفه‌ای بی‌عمل.

از اینرو در طرح و بررسی و نقد این گرایش، به راستی باید بر لبه تیغ راه رفت. این پل صراط است که هر گونه لغزشی به آن سقوط به سمتی را در پی دارد. چشم دراندن بیش از حد بر نقطه‌ای، به همان اندازه دشواری به بار می‌آورد که چشم برگرفتن از نقطه‌ای.

اما پیش از آنکه به بحث مختصر درباره مقدرات و محدودیتهای این گرایش بپردازم، بر چند نکته باید تأکید کنم:

الف: پیش از هر چیز، من این گرایش را، با توضیحی که در مجموع خواهم داد، یک ضرورت مثبت (که از منفی‌زایی میرانست) در ستیز انقلابی دوره گذشته و در مواجهه با دیکتاتوری تلقی می‌کنم. زیرا خود، برآمد

همیشه مفهوم مبارزه مستلزم مفهوم ستیزه‌ای بوده است. از اینرو خواه ناخواه راه قهرمان‌گرای پیش پای مبارزان گسترده بوده است. وقتی مبارزه و انقلاب نتواند با سازمان خود پیش برود، ناچار می‌خواهد با قهرمان پیش برود. حال آنکه هر چه یک وضعیت انقلابی مطلوب‌تر باشد، نیازی به کارهای بزرگ قهرمانی، برای برانگیختن مردم کمتر خواهد بود.

عوامل اساسی در رویکرد ناگزیر به خطر پذیری قهرمانی را می‌توان چنین دانست:

- ۱- وسعت دیکتاتوری
- ۲- انفعال توده‌ها
- ۳- روش مماشات پخماگان و سیاست‌گزاران حرفه‌ای بی‌عمل.

از اینرو در طرح و بررسی و نقد این گرایش، به راستی باید بر لبه تیغ راه رفت. این پل صراط است که هر گونه لغزشی به آن سقوط به سمتی را در پی دارد. چشم دراندن بیش از حد بر نقطه‌ای، به همان اندازه دشواری به بار می‌آورد که چشم برگرفتن از نقطه‌ای.

اما پیش از آنکه به بحث مختصر درباره مقدرات و محدودیتهای این گرایش بپردازم، بر چند نکته باید تأکید کنم:

الف: پیش از هر چیز، من این گرایش را، با توضیحی که در مجموع خواهم داد، یک ضرورت مثبت (که از منفی‌زایی میرانست) در ستیز انقلابی دوره گذشته و در مواجهه با دیکتاتوری تلقی می‌کنم. زیرا خود، برآمد



## بازار مخالف تاسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای است

نشریه اصناف: صنایع مملکت در اثر نبودن مواد اولیه اکثر ادرار حال تعطیل هستند

در ماه‌های اخیر همزمان با تبلیغات دولت برای مبارزه با گرانی و کنترل بازار، اعلام شد که یک هزار فروشگاه زنجیره‌ای توسط دولت و با هدف کنترل عرضه مایحتاج مردم ایجاد خواهد شد. نقشه دولت برای ایجاد فروشگاه‌های زنجیره‌ای همان اندازه جدی و باورپذیر بود که مبارزه دولت با گرانی و تورم. با این همه بازاریان در مقابل این قصد دولت، که هنوز از حرف تجاوز نکرده، ساکت ننشسته و با آن به مخالفت برخاسته‌اند. نشریه "اصناف" که ارگان اتحادیه‌های توزیع کنندگان تهران است، در سرمقاله آخرین شماره خود در این باره نوشته است: "جز اصناف که از بعد سیاسی و اجتماعی و همکاری با دولت نقش مؤثری دارند مورد بی‌مهری قرار گرفته و این بازوی ستبر انقلاب بفرموده بنیانگذار جمهوری اسلامی شکسته شود... چرا برای توسعه مراکز تجاری و ساختن پاساژهای چند طبقه با گرفتن پول مجوز صادر می‌شود و مشکلات

نشریه اصناف در قسمت دیگری از سرمقاله خود نوشت: صنایع مملکت اکثر ادرار حال تعطیل است. سیل مهاجرت هنوز در حال تخلیه روستاهاست، رسانه‌های گروهی مردم را به مصرف گرایی دعوت می‌کنند و اجناس وارداتی بازارها را قضا کرده است.

## ترکیه دستخوش

### بحران‌های شدید اقتصادی است

رکورد ۱۲۵ درصدی گرانی در سال پیش، ترک‌ها نسبت به ارزش پول ملی خود (لیر) بی‌اعتماد کرده است. گرانی قیمت اجناس در معاملات کلان از این هم فراتر رفته و به ۱۵۰ درصد رسیده است. کاهش شدید ارزش لیر بیش از همه به زیان اقشار فرودست جامعه است، چرا که حقوق آنها متناسب با تورم و گرانی افزایش نمی‌یابد. بسیاری از شهروندان دار و ندار خود را به ارزش‌های خارجی تبدیل می‌کنند تا ارزش اموال و پس‌اندازهای خود را حفظ کنند. اعلام رسمی درصدهای تورم در روزهای اخیر به هجرت بی‌سابقه مردم به صرافی‌ها و بانک‌ها منجر شده است. برخی از مردم با سراسیمگی مبل، ماشین و وسایل خانگی خود را می‌فروشند تا درآمد آن را به دلار یا مارک تبدیل کنند.

ولع شدید برای ارزش‌های خارجی قسماً به شایعاتی برمی‌گردد که بر اساس آن به زودی یک بار دیگر ارزش برابر لیر کاهش خواهد یافت. دفعه گذشته لیر در برابر دلار ۶۱ درصد ارزش خود را از دست داد. در ابتدای سال جاری میلادی هر دلار در صرافی‌های استانبول با ۴۱ هزار لیر تعویض می‌شد. اما اینک با اعلام آخرین آمار مربوط به گرانی، افزایش یک دلار با ۵۰ هزار لیر هم بعید تلقی نمی‌شود.

خانم چیلر نخست‌وزیر ترکیه، هنگامی که سه سال پیش در راست اختلافی از حزب محافظه کار راه راست و حزب سوسیال دموکرات به قدرت رسید، قول داد که تورم ۶۵ درصدی را سریعاً مهار کند. ایندکس اما سیاست‌های اقتصادی وی در معرض شکست واقع شده است.

سال گذشته تولید ناخالص ملی تا سه درصد کاهش یافت. به ویژه کسری شدید بودجه عمومی که عمدتاً از هزینه سرسام آور جنگ در کردستان ناشی می‌شود، به مشکلی عظیم تبدیل شده است. مخارج جنگ دولت علیه کردها سالانه بین ۶ تا ۷ میلیون دلار برآورد می‌شود. کسر بودجه سال ۱۹۹۴ در عمل ۴۰ درصد بیشتر از پیش‌بینی‌ها بود. بدهی‌های جدید دولت هم اینک معادل ده

## در اثر فقر غذایی ۲۵ درصد از کودکان کشور دچار تاخیر رشد هستند

در گزارشی که "مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی" اخیراً انتشار داده است نوشته است که ۲۵ درصد از کودکان کشور در اثر عدم دسترسی به غذای کافی دچار نارسایی و تاخیر در رشد جسمی هستند. این گزارش می‌گوید که ۸۰ درصد مردم به غذای کافی دسترسی دارند اما توضیح نمی‌دهد که در عمل نیز غذای کافی به این عده از مردم می‌رسد یا نه. بنظر می‌رسد این درصد با توجه به امکانات غذایی کشور در کل و بطور تئوریک برآورد شده است و در عمل چنین توزیعی وجود ندارد. همین گزارش می‌گوید که سلامت ۲۰ درصد از افراد جامعه به علت زیاده روی در مصرف غذا به طور جدی تهدید می‌شود. گزارش مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی کشاورزی همچنین حاکی از آن است که سالانه حجم عمده‌ای از مواد غذایی به دلیل نارسایی در سیستم توزیع و الگوی نامناسب مصرف و احضار اقشار مرفه دور ریخته می‌شود. این رقم در مورد نان به ۲۵ تا ۳۰ درصد نان تولیدی کل کشور می‌رسد. واقعیت فوق نشانگر آن است که سرانه مصرف، که اساس برآوردهای مربوط به میزان مصرف انرژی را نشان می‌دهد، نمی‌تواند آمار دقیقی را به دست دهد. به اعتراف بسیاری از مسئولین و کارشناسان خود حکومت، بیش از نیمی از مردم ایران به علت درآمد پایین در تهیه نیازهای غذایی ضروری خود ناتوانند و وزیر خط فقر زندگی می‌کنند. گزارش مرکز مطالعات کشاورزی می‌گوید تنها ۲۰ درصد مردم به غذای کافی دسترسی



در گزارشی که "مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی" اخیراً انتشار داده است نوشته است که ۲۵ درصد از کودکان کشور در اثر عدم دسترسی به غذای کافی دچار نارسایی و تاخیر در رشد جسمی هستند.

## آمار تجارت خارجی ایران در سال ۷۲

گمرک ایران طی گزارشی آمار صادرات و واردات کشور در سال ۷۲ را انتشار داد. بر اساس این گزارش کل ارزش صادرات ایران به خارج در سال ۷۲ حدود ۳ میلیارد و ۷۴۶ میلیون دلار و کل ارزش واردات حدود ۲۰ میلیارد و ۳۶۰ میلیون دلار بوده است.

در زمینه صادرات عمده‌ترین طرف‌های تجاری جمهوری اسلامی به ترتیب حجم و ارزش صادرات عبارت بودند از:

آلمان، ترکیه، امیرنشین امارات، چین، ایتالیا، سوئیس، سوئد، ژاپن، فرانسه، انگلستان، هند، کانادا و جمهوری آذربایجان. در سال ۷۲ حدود ۱۹۶ تن کالا به ارزش بیش از ۲۸ میلیون به آمریکا صادر شد.

ارزش واردات جمهوری اسلامی از خارج ۲۰ میلیارد و ۳۶۰ میلیون دلار بود که از نظر وزن ۶ درصد و از نظر ارزش ۳۲ درصد نسبت به سال ۷۱ کاهش داشت. در گزارش گمرک آمده است ۲۵ درصد کالاها و وارداتی سرمایه‌ای، ۶۲ درصد واسطه‌ای (مواد اولیه) و بقیه کالاها مصرفی بوده است. در زمینه واردات طرف‌های تجاری ایران به ترتیب مقدار و ارزش واردات عبارت بوده است: آلمان، ژاپن، امیرنشین امارات، ایتالیا، انگلستان، فرانسه، جمهوری کره، آمریکا، اتریش، بلژیک، آذربایجان، آرژانتین، ترکیه و سوئیس.

آمریکا با بیش از ۸۲۴ میلیون دلار صدور کالا به جمهوری اسلامی در سال ۷۲، در رتبه هشتم قرار دارد.

## ازبکستان: پایان خاویار

با خشک شدن نیمی از دریاچه آرال، جای آن را شورزار لم یزرعی گرفته است.

اگر آب ورودی به دریاچه آرال افزایش پیدا نکند، در قرن آینده اثری از دریاچه آرال باقی نخواهد ماند!

تاکنون حتی یک کوپک به صندوق کمک جهت جلوگیری از فاجعه دریاچه آرال واریز نشده است.

است. در اوایل سالهای ۱۹۸۰ شوری آب دریا باعث از میان رفتن ماهی‌هایی شد که در صنایع پرورشی منطقه مورد استفاده قرار می‌گرفت. برای ماهیگیری دریاچه آرال که اینک بی‌کار شده‌اند، خاطره خاویاری که از سواحل خودشان سید می‌کردند و روی سفره می‌گذاشتند، به صورت رویایی دور درآمده است.

کاهش سطح دریاچه محیط زیست منطقه را نیز زیان کرده است. دلنای آمودریا که در تاریخ به "خوارزم" معروف است مرکز تمدن باستانی بوده، این مرکز در کنار شاخه‌ای از جاده ابریشم که به سمت منطقه ولگا و اروپای شرقی می‌رفت قرار داشته است. به علت کم حاصلی در حال حاضر در این منطقه جز بنه که از طرف مسکو برای غالب این مناطق در نظر گرفته شده بود، چندان چیزی نمی‌توان کاشت. اما حتر برداشت محصول بنه نیز روبه کاهش نهاده است و علت آن این است که دریاچه کوچکتر، فصل بارندگی را کوتاه کرده و طوفانهای گرد و خاک که نمک بستر خشک شده دریا را به زمین‌های کشاورزی می‌برند، باعث کاهش حاصلخیزی

یک مجسمه یادبود جنگ از دوران شوروی سابق که اینک با رنگ آمیزی شده، کنار بندر سابق موبناک قرار دارد. این مجسمه که زمانی رویه امواج خروشان دریای آبی‌رنگ داشت، اینک نگاهش به بیابان لم یزرع شورزار می‌نهد. روی این مجسمه یادبود به زبان روسی اینطور حک شده است: "هیچکس فراموش نمی‌شود. هیچ چیز فراموش نمی‌شود."

اما مردم ناحیه دریاچه آرال طور دیگری فکر می‌کنند: اینک مردمی فراموش شده هستند. وقتی در دهه ۸۰ آشکار شد که این دریاچه که روزگاری چهارمین دریاچه بزرگ دنیا بود، در حال خشک شدن است، فریادی از وحشت در جهان شنیده شد. اما همانطور که آب دریاچه به سرعت بخار می‌شود، و همانطور که اتحاد شوروی بخار شد و از میان رفت، این فریاد وحشت نیز گم شد و صدای آن دیگر شنیده نشد. جمهوریهای جدید استقلال آسیای میانه نیز از نظر جامعه بین‌الملل تبدیل به مناطقی دور دست با نامهای نامأنوس شدند.

در سالهای ۱۹۶۰ یعنی زمانی که رودهای آمودریا و سیردریا صرف برنامه‌های وسیع آبیاری شوروی در منطقه گردیدند، دریاچه آرال مقدار زیادی از آب ورودی خود را از دست داد لذا آب ورودی جواب تیخیر سریع را نمی‌دهد. تا سال ۱۹۹۳ ارتفاع آب ۱۶ متر کاهش یافته، سطح دریاچه به نصف رسیده، حجمش ۷۵ درصد کم شده، و میزان شوری آب سه برابر افزایش یافته است.

درخواست لنین از مردم موبناک که برای منطقه فقرزده ولگاماهی ارسال کنند، اکنون فقط به صورت خاطره‌ای دور از اجسادشان باقی مانده است. اکنون موبناک فرسنگ‌ها از ساحل دریا دور افتاده

دریاچه آرال همچنان کوچک می‌شود اما نه به میزان سابق. کاهش سطح و عمق آب باعث تقسیم دریاچه به دو قسمت شمالی و جنوبی شده است که قسمت جنوبی خیلی بزرگتر است و به نوبه خود توسط جزیره‌ای که در وسط آن است و پیوسته وسیع ترمی شود در آینده نزدیک به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم خواهد شد. اگر آب ورودی افزایش نیابد در قرن آینده اثری از دریاچه آرال نخواهد ماند.

ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان قسمت اعظم آب رودهای سیردریا و آمودریا را مصرف می‌کنند. مقامات این جمهوریها از فاجعه دریاچه آرال با خبرند اما برای بهبود وضع ساکنین سواحل این دریاچه هیچ کاری نکرده‌اند. هر پنج جمهوری آسیای میانه در سال ۱۹۹۳ توافق کردند که یک درصد از تولید ناخالص ملی خود را به صندوقی به نام "صندوق دریاچه آرال" اختصاص دهند. اما طبق گفته یکی از متخصصین منطقه، تاکنون حتی یک کوپک به این صندوق واریز نشده است. این جمهوریها برداشت خود از آب این رودها را به علت تنگناهای کشاورزی خود نمی‌توانند کاهش بدهند. در عین حال برای بهبود وضع بهداشتی و درمانی مردم نیز کاری از آنها ساخته نیست.

بانک جهانی دو سال صرف بررسی این موضوع نمود و اینک نیز اجزای یک تحقیق وسیع و پرهزینه را در دست اقدام دارد. اما بدون کمک و همکاری واقعی جمهوریهای آسیای میانه کاری نمیتواند از پیش ببرد. در شهر نوکوس طنزی رایج است به این مضمون که اگر هر خارجی که گذارش به منطقه دریاچه آرال افتاده و می‌افتد یک سطل آب با خود بیاورد، دیگر مشکلی بنام مشکل دریاچه آرال وجود نخواهد داشت!

# بحث پیرامون مبانی و موانع اتحادها ادامه یافت

این بار قربانعلی عبدالرحیم پور و بهزاد کریمی سخنرانی کردند

روز شنبه ۱۰ دسامبر ۱۹۹۴ جلسه‌ی دیگری از سخنرانی و بحث پیرامون مبانی و موانع اتحاد اپوزیسیون به همت کمیته‌ی همبستگی هامبورگ برگزار گردید. سخنرانان این جلسه آقایان قربانعلی عبدالرحیم پور و بهزاد کریمی از سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بودند.

عبدالرحیم پور در سخنانش خود ابتدا این سؤال را مطرح نمود که چرا به رغم اعلام پایبندی بسیاری از نیروهای اپوزیسیون به حقوق مردم سالاری، پلورالیسم، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی هنوز هم نشانه‌ای از پیوند و اتحادی کارآمد میان آنها دیده نمی‌شود و تفرقه و پراکندگی آنها از کجانشانی می‌شود؟ وی سپس به پاسخ‌های رایج به این سؤال اشاره نمود و اظهار داشت که خلاصه کردن همه‌ی موانع اتحاد در شیوه‌های سرکوبگرانه و تفرقه افکنانه‌ی رژیم حاکمه و یاد دست توطئه‌گر خارجی را در کار دیدن پاسخ جامع و مقتضی به این سؤال نیست. دیدگاهی که با تکیه بر نفرت و سرخوردگی مردم از رژیم پیوسته اتحادی همچون اتحاد آستانه‌ی انقلاب بهمن را تبلیغ می‌کند، رانیز عبدالرحیم پور عاجز از درک آموزه‌های واقعی آن انقلاب و غفلت اپوزیسیون آن زمان از مفهوم آزادی و مردم سالاری و ارائه‌ی طرح‌های جایگزین دانست. وی سپس به مانع عمده‌ای اشاره کرد که ظرف ۵۰-۶۰ سال اخیر کمتر مورد توجه جنبش‌های سیاسی و روشنفکری بوده است و آن همانا ریشه دار بودن استبداد در بین جامعه‌ی ماست. به همین جهت ما هر بار علیه یک دیو برخاسته ایم و تصور کرده ایم که جای آن آفرشته می‌گیرد، لیکن دوباره با دیوی دیگری روبرو شده ایم، چرا که روح دیونه تنها در حاکمان بلکه در جان جامعه‌ی ما لانه کرده است. فردگرایی، تشکیلات ستیزی،

خودمحوریتی، انحصارطلبی، عدم تحمل دیگران و... را عبدالرحیم پور نشانه‌ای از حضور دیو استبداد در درون اتحاد جامعه دانست. به باور سخنران تنها اعلام وفاداری به آزادی و دموکراسی و حاکمیت مردم و مبارزه با رژیم استبدادی حاکمه برای نهادهای کردن ارزش‌های دموکراتیک در فرهنگ سیاسی جامعه‌ی ایران بهیچوجه کافی نیست، بلکه باید این درک را در جامعه اشاعه داد که هر کس آزادی خود را در آزادی دیگران فهمد و افراد چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی رفتار و منش خویش را بر موازین و قواعد آزادی و دموکراسی، تحمل دیگران و قبول حضور دیگران در اندیشه بنا کنند. عبدالرحیم پور افزود که بدیده‌هایی چون سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، جایگزینی روابط به جای ضوابط، رواج مناسبات قبیله‌ای به جای مناسبات مدنی، پیشاورمهرسازی و سوچه‌پوری همگی از نمودهای بارز استبداد و موانع مهم تشکیلاتی و گسترش همکاری و اتحاد میان احزاب و نیروهای سیاسی است. با اینهمه عبدالرحیم پور تأکید نمود که نباید در وجود ضعف‌ها و نارسایی‌های فوق اغراق کرد و جنبه‌های مثبت تحولی که در کل جامعه و در میان نیروهای اپوزیسیون جریان دارد را نادیده گرفت. وی گفت: "علیرغم وجود همه‌ی این موانع، علیرغم دشمنی آشکار جمهوری اسلامی با فرهنگ آزادی و دموکراسی و سرکوب نیروهای آزادخواه، به همت آزادخواهان کشور ارزش‌هایی نظیر آزادی، دموکراسی، جدایی دین از دولت، حاکمیت مردم سالاری و... بیش از هر زمان دیگر در فرهنگ ما گسترش و تعمیق می‌یابد. نیاز به رشد، شکوفایی و معاصر شدن، نیاز به مشارکت در تعیین

مردم سالاری نشان داده باشند و از استبداد و انحصارطلبی به طور جدی فاصله گرفته باشند. موفقیت چنین جبهه‌ای از نظر سخنران در آن است که تا چه حد به بستر مسائل و وظایف واقعی و با تدارک و تمهیدات لازم شکل گرفته باشد.

کریمی سپس به سیاست سازمان فدائیان در قبال سازمان مجاهدین خلق اشاره کرد و به تشریح جنبه‌های دوگانه‌ی این سیاست پرداخت. وی گفت که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن محکوم کردن سرکوب مجاهدین توسط رژیم از یکسو نقد پیگیری مشی، عملکرد و سیاست‌های منفی و ضد دموکراتیک مجاهدین را وظیفه‌ی خود می‌داند و از دیگر سروسازین سازمان را پیوسته برای طرح مسائل جنبش و انتقاداتی که اپوزیسیون دموکرات نسبت به سیاست‌های آن دارد و بیان انتقاداتی که احتمالاً این سازمان متقابلاً به ما و دیگر نیروهای اپوزیسیون دارد به مباحثه و مناظره دعوت می‌کند. در زمینه‌ی برخورد با نیروی سلطنت طلب نیز کریمی ضمن تأکید بر دیدگاه سازمان مبنی بر پذیرش نحلتهای سیاسی مختلف در جامعه، اینکه این نیرو فاقد ارغ از مصالح و منافع کاذب، خود را به صورت واقعی متشکل کند استقبال کرد و این امر را به سود فرهنگ دموکراسی و حزبیت در جامعه دانست. به عقیده‌ی کریمی حد رابطه‌ی نیروهای اپوزیسیون دموکرات و از جمله سازمان فدائیان با مشروطه خواهان بستگی به تلاشی دارد که این نیرو در فاصله‌گیری از گرایش و بینش استبدادی بعمل می‌آورد. وی یکی از ارکان اصلی این مشروطه خواهان با سرکوب و استبداد دوران پهلوی و اتخاذ موضع روشن در قبال آزادی ستیزی، وابستگی و غارتگری‌های رایج در آن رژیم دانست.

## یک پزشک جوان نیاز به یاری دارد

یک پزشک جوان ایرانی برای ادامه معالجه خود که مستلزم عمل جراحی پرخرجی می‌باشد، نیاز به کمک مالی دارد. این پزشک جوان مبتلا به سرطان مغزی است. هم وطنانی که مایل به یاری هستند، می‌توانند کمک خود را به شماره حساب ویا آدرس زیر ارسال دارند: شماره حساب:

522901.Canada.trust  
238.Branch  
Jafar.Abedi

Jafar.Abedi  
#202.161C4.86AVE  
Edmonton.AB.T5T0J2  
Canada

جهت کسب هرگونه اطلاعات بیشتر با خانواده عابدی می‌توان با شماره تلفن ۴۹۶۹۶۹۶ یا کد ۴۰۳ تماس گرفت.

## دیدار با نماینده

### حزب سوسیال دموکرات کارگری سوئد

روز دوم فوریه (۱۳ بهمن)، مسئول روابط بین الملل تشکیلات سازمان در سوئد با مسئول روابط بین المللی حزب سوسیال دموکرات کارگری سوئد دیدار کرد. در این دیدار نماینده حزب سوسیال دموکرات کارگری سوئد در پیروزی‌های حزب سوسیال دموکرات کارگری سوئد در انتخابات پارلمان و شهرداری‌های سوئد را تبریک گفت. این حزب در سال ۹۴ با کسب بیش از ۴۰ درصد آرا قدرت را به دست گرفت و ائتلاف چهارگانه راست را شکست داد. نماینده سازمان سپس به تشریح اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران پرداخت و سیاست‌های رژیم را در ادامه اختناق سیاسی، سرکوب خواست‌های آزادی طلبانه، ترور مخالفین سیاسی، هم در داخل و هم در خارج کشور، مورد تشریح کرد و اشکال مختلف مقابله و مبارزه مردم

مسئول روابط بین المللی حزب سوسیال دموکرات کارگری سوئد ضمن اظهار خرسندی از این دیدار، بر اهمیت مسائل کل ایران و تأثیر آن در کل منطقه تأکید کرد و ادامه حمایت این حزب از نیروهای مدافع دموکراسی در ایران را اعلام کرد.

## باقر مومنی: مرابه مرگ تهدید کرده اند

باقر مومنی، نویسنده و محقق مشهور ایرانی با انتشار نامه‌ای اعلام کرد که چند نفر ناشناس او و همچنین دو نفر دیگر را به عنوان دشمنان اسلام به اعدام محکوم کرده‌اند. این تهدید از طریق پخش یک اطلاعیه دست نویس صورت گرفته است. باقر مومنی چندی پیش از طرف هفته نامه کیهان هوایی تلویحا به مرگ تهدید شده بود. جرم دونفر دیگری که نامشان در اطلاعیه مذکور آمده، اما نخواستند که نام آنها در محافل ایرانی مطرح شود، انتشار یک نشریه است که به ادعای نویسندگان اطلاعیه، نشریه‌ای علیه اسلام می‌باشد.

## پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

به نوشته نشریه "نامه مردم"، چهارمین پلنوم حزب توده ایران در آذرماه سال گذشته برگزار شد. در این پلنوم سندی به نام "جهان در آستانه هزاره سوم - حزب توده ایران و نظم نوین جهانی" به تصویب رسید و پیام‌هایی خطاب به مردم ایران، کارگران و زحمتکشان، زندانیان سیاسی، نیروهای آزادخواه، و اعضای حزب فرستاده شد. اسناد این پلنوم در نامه مردم به چاپ رسیده است.

## نامه مشترک به وزیر کشور آلمان

کشور بدون هرگونه تعهدی، دستگیری پناهجوی نام برده را شاهد این مدعا آورده است. سرکوب هرگونه اعتراض، فشار طاقت فرسای اقتصادی - اجتماعی که موجب تمایل بخش‌های وسیعی از مردم ایران به خروج از کشور شده است، پرس و جوی آن ایرانیانی که برای بازدید از بستگان و موطن خود به ایران می‌روند و ترور فعالین اپوزیسیون در خارج از کشور دال بر توخالی بودن سخنان حسین موسویان عنوان شده‌اند. امضا کنندگان نامه ضمن ابراز ناسف از این که دولت آلمان این

از سوی شاخه‌های حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در آلمان نامه مشترکی به وزیر کشور آلمان ارسال گردید. این نامه در ارتباط با سیاست‌های دولت آلمان در مورد اعطای حق پناهندگی به ایرانیان، نامه سفیر جمهوری اسلامی در برن به وزیر کشور آلمان و بازگرداندن یک پناهجوی ایرانی از آلمان به تهران تهیه شده است.

نامه ضمن اشاره به بی‌پایگی ادعاهای سفیر جمهوری اسلامی در مورد حق بازگشت تمامی ایرانیان به

## مشترکین گرامی، دوستان خواننده!

روزنامه کار درآمدی جز و جوه حاصل از اشتراک و کمک‌های مالی ندارد. تاخیر در پرداخت وجوه اشتراک، روزنامه را با دشواری مواجه می‌سازد. خواهشمندیم با ارسال به موقع وجوه اشتراک به انتشار منظم و به موقع "کار" یاری رسانید.

### فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید  تمدید اشتراک   
مدت اشتراک: شش ماه  یکسال   
نام: ..... تاریخ: .....  
آدرس: Name: .....  
Address: .....

فرم را همراه با بایهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمایند.

### بهای اشتراک "کار"

اروپا:  
ششماه - ۴۵ مارک  
یکسال - ۹۰ مارک  
سایر کشورها:  
ششماه - ۵۲ مارک  
یکسال - ۱۰۴ مارک

GER 3 DM

### "کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

دارنده حساب: I.G. e.v.  
شماره حساب: 22442032  
کد پانک: 37050198  
Verleger: I.G. e.v.  
I.G. e.v.  
Postfach 260268  
50515 Köln  
GERMANY  
Stadtsparkasse Köln  
Germany

شماره فکس: 0049 \_ 221 \_ 3318290 Fax:

### پنجاهمین سالگرد آزادی آشویتس

## روزی که کارخانه مرگ از حرکت باز ایستاد



اجساد قربانیان جنایات نازی هادریک اردوگاه مرگ در آلمان

روز ۲۷ ژانویه ۱۹۴۵، روزی همچون روزهای دیگر یک جنگ ظاهراً بی پایان، سروان ایوان ایسایف فرمانده گردان شناسایی یکی از لشکرهای ارتش شوروی کوچکترین اطلاعی نداشت که به کجا پامی گذارد. ابتدا فکر کردیم که به یک کارخانه وارد شده ایم، اما بعد دریافتیم که به یک اردوی کار و یک زندان بزرگ پا گذاشته ایم. لغت آشویتس برای ما چیزی نبود جز نام یک شهر کوچک لهستان که از لحاظ سیاسی و نظامی هم هیچگونه اهمیت استراتژیکی نداشت.

سالها پس از جنگ ایسایف در گفتگویی با یکی از بازماندگان اردوگاه آشویتس از مشاهدات خود در دید از ظهور آن روزمستانی که پایه اردوگاه نهاده بود سخن گفت: انسانها در صحن اردوگاه سرگردان بودند، کوچکترین واکنشی نسبت به ورود ما نداشتند و ارتباط گیری با آنها سخت دشوار بود. در خیابانهای اردوگاه جا به جا جسد هایی دیده می شدند که برف آنها را قسماً پوشانده بود. کلبه های اردوگاه مملو از جسد هایی یخ زده بودند. کمی دیرتر پزشک هنگ ما سر رسید، ما می بایست هر چه سریعتر راه خود را ادامه دهیم، ولی در عین حال از اینکه آن اردوگاه را ترک می کنیم خوشحال بودیم، چرا که: آنجا همچون جولانگاه ارواح بنظر می رسید.

سروان و هم قطاراننش نمی دانستند که آن روز بزرگترین اردوگاه مرگ نازی ها را آزاد کرده اند، اردوگاهی که نامش در تاریخ با کثرت استیماتیک و مناسبتی انسانها مترادف است ولی لکه ای از سیاهی و تباهی در تاریخ آلمان به شمار می رود. پزشک ارتش شوروی و کمیسون ویژه ای که بلافاصله به محل اعزام شد در اردوگاه، ۷۶۵۰ نفر زنده و از

جمله ۱۸۰ کردک و نیز ۶۵۰ جسد را پیدا کردند. اینها آخرین گروه از ۲/۵ میلیون انسانی بودند که طرف ۵۸ ماه تحت شعار کارها بیخش است به این اردوگاه آورده شده بودند. بر سر بقیه چه آمده بود؟

بر طبق آمار دفتر اردوگاه یک میلیون و ۷۶۵ هزار نفر در کوره های مرگ و بنا اتاق های گاز اردوگاه به هلاکت رسیده اند. هنگامی که افسران ارتش نازی هجوم ارتش سرخ را قریب الوقوع می بیند، دستور تخلیه اردوگاه و انتقال ۵۸ هزار اسیر باقیمانده و نیز انفجار کوره های آد مسوزی و اتاق های گاز را صادر می کنند تا اثری از جنا پنهان پیر جا نماند. سربازان تحت فرمان آنها اما فرصت همه این کارها را نمی یابند و از جمله مرفوق نمی شوند یک میلیون کت و شلوار، پالتو و ۷ تن موی قربانیان جنایت خویش را نابود کنند. از میان ۵۸ هزار نفر اسیری که فرار بود به داخل آلمان انتقال یا بند تنها ۱۵۰۰ نفر جان سالم به در می برند. دستور داده شده بود که هر کس که بخاطر سرما وضع از رفتن باز می ایستد یا تیر کشته شود. هشت هزار نفری که نازیها بخاطر ناتوانی و بیماری سخت آنها، قادر به انتقالشان نشده بودند تنها چند روز پس از ورود ارتش سرخ به اردوگاه، آزادی خویش را باور کردند.

اردوگاه آشویتس که در سال ۱۹۴۰ به فرمان های نریش هیملر، رئیس دولت رایش و بعد تر فرمانده پلیس مخفی آلمان، بعنوان اردوگاه جنگی در منطقه ای به همین نام (در لهستان کنونی) ساخته شد تا ۲۷ ژانویه ۱۹۴۵ محل خورفا کترین جنایات نازی ها بود. در این اردوگاه بود که به فرمان هیملر و تحت نظارت آدلف هس نزدیک به دو میلیون یهودی و اعضای نیروها و ارتش های ضد فاشیستی از سراسر اروپا به کام مرگ فرستاده شدند.

### پیشنهاد جدید فرانسه برای حل بحران بالکان

ژوئه وزیر خارجه فرانسه پیشنهاد کرد برای یافتن راه حلی جامع در یوگسلاوی پیشین، اجلاس ای سران جمهوری های سابق یوگسلاوی تشکیل شود. این پیشنهاد، مورد استقبال دیوید اوبن نماینده اتحادیه اروپا در تلاش های صلح بالکان قرار گرفته است. اوبن در عین حال معتقد است چنین کنفرانسی تنها به شرطی چشم انداز موفقیت دارد که کار تدرک آن، با دقت انجام شده باشد. انتظار می رود وزارت خارجه فرانسه کوششی را برای برگزاری اجلاس سران بالکان در پاریس قبل از پایان دوره ریاست تناوبی شش ماهه فرانسه در اتحادیه اروپا آغاز کند. فرانسه در نیمه اول سال ۱۹۹۵ عهده دار ریاست اتحادیه اروپاست.

دیوید اوبن در مصاحبه ای با روزنامه آلمانی فرانکفورتر آلگه مایه گفت در اجلاس سران بالکان باید

روئای جمهوری صربستان، کرواسی، بوسنی-هرزه گوین، مقدونیه، سلوونی و مونته نگرو شرکت کنند. به عقیده اوبن، دستور کار اجلاس مزبور باید ساختن راه حلی جامع برای جنگ در کرواسی و بوسنی-هرزه گوین و نیز حل اختلافات در مورد جانشینی حقوقی یوگسلاوی باشد. با این حال اوبن هشدار داد که نباید توجه را صرفاً معطوف به اجلاس سران کرد و تلاش هایی را که توسط میانجیان تا کنون انجام شده است و نیز گفتگوهای دو جانبه بین طرف های جنگ را به فراموشی سپرد.

بوسنی-هرزه گوین در هفته های اخیر شاهد موارد متعددی نقض آتش بسی بود که ماه گذشته اعلام شد. در منطقه مسلمان نشین بیهاج که تحت محاصره صرب هاست، درگیری های سختی بین نیروهای دولتی بوسنی و صرب ها رخ داد.

آمریکای جنوبی در هفته گذشته شاهد درگیری مسلحانه بین دو کشور همسایه پرووا و کوادور بود. اختلاف بین دو کشور، بر سر یک منطقه مرزی است که گفته می شود منابع طلا و نفت دارد. در حالی که سایر کشورهای آمریکای لاتین کوشیدند بین پرووا و کوادور میانجی گری کنند، زد و خورد های دوارش ده ها قربانی

مخفیگاهش اسیر انگلیسی ها شدند و روز بعد خود کشتی کرد. آدولف هس نیز دو سال پس از پایان جنگ سرانجام شناسایی و دستگیر شد و پس از صدور حکم اعدامش در ورشو در اردوگاه آشویتس به دار آویخته شد.

۲۷ ژانویه امسال یعنی پنجاهمین سالگرد آزاد سازی آشویتس مناسبتی بود برای نه گفتن مجدد به جنگ، نژاد پرستی،

### سومین کنگره حزب کمونیست روسیه

## روسیه، کار، قدرت خلق، سوسیالیسم

در سومین کنگره حزب کمونیست روسیه ۳۶۰ نماینده از طرف نیم میلیون عضو حزب شرکت کردند. کنگره حزب به سیاستهای یلتسین شدیداً انتقاد کرد و وی را مسبب هرج و مرج مطلق موجود در سیستم دانسته و وی را به خلق کشی متهم نمود. کنگره خواستار انتخابات پیش رس ریاست جمهوری و پارلمان شد. حزب کمونیست روسیه تا کنون سه میلیون امضاء به این منظور جمع آوری نموده است.

گنادی زیگانف، رهبر حزب و تمامی اعضای رهبری حزب، مقام های خود را حفظ کردند. ۴۲ سازمان و حزب از ۳۳ کشور جهان، به عنوان میهمان، در سومین کنگره حزب کمونیست روسیه شرکت کردند.

پس از یک نظرسنجی اعلام شد، خواهان حل مسالمت آمیز اختلاف دو کشورند. روشن نیست که درگیری های مسلحانه بین پرووا و کوادور را کدام طرف آغاز کرده است. از سالها پیش، دو طرف در مورد منطقه ای به درازای ۸۰ کیلومتر در سرچشمه رود آمازون اختلاف دارند.

### درگیری مسلحانه بین پرووا و کوادور

گرفت. در حالی که رهبران دو کشور بر مواضع سرسختانه خود پافشاری می کنند، اتحادیه های کارگری پرووا و کوادور از مردم دعوت کردند برای پایان دادن به جنگ در مرزهای دو

کشور دست به تظاهرات بزنند. اتحادیه کارگران آمریکای لاتین در بیانیه ای خاطرنشان کرد پرووا و کوادور، مسائلی دارند که از تعیین دقیق خط مرزی مهم تر است. ۹۶ درصد مردم کوادور طبق آماری که

### خبرهای کوتاه از سراسر جهان

## آفریقای جنوبی: مخالفت با عفو جنایتکاران

در آفریقای جنوبی مخالفت افکار عمومی با توافق اخیر نلسون ماندلا رئیس جمهور رود کلرک معاون وی در مورد عفو عمومی افراد پلیس که در دوره آپارتاید مرتکب نقض حقوق بشر شده اند، گسترش یافته است. وزیر دادگستری این کشور که از حزب ماندلا، یعنی کنگره ملی آفریقا است، چنین بخشودگی فراگیری را مغایر با قانون می داند. زیر فشار افکار عمومی، عزل و نصب هایی در دستگاه امنیتی آفریقای جنوبی انجام گرفت. یک سیاستمدار عضو کنگره ملی آفریقا ریاست سرویس مخفی این کشور را بر عهده گرفت و نیز برای نخستین بار، سیاهپوستان در دستگاه پلیس به رتبه ژنرالی می رسند.

## دولت جدید بلغارستان تشکیل داد

شان ویدنوف رهبر ۳۵ ساله حزب سوسیالیست بلغارستان که در انتخابات پارلمانی اخیر این کشور پیروز شد، ریاست دولت بلغارستان را بر عهده گرفت. حزب سوسیالیست در پارلمان بلغارستان اکثریت مطلق دارد. دولت جدید بلغارستان، وظیفه ای دشوار بر عهده دارد. از یک سو اصلاحات اقتصادی در این کشور متوقف مانده است و از سوی دیگر، فشار بر وضعیت معیشتی مردم تا حدی افزایش یافته که دولت نمی تواند برای بهبود وضعیت اقتصادی، تحمل بیشتری از مردم بطلبد. در این موقعیت دشوار، ویدنوف که اقتصاد دان است، امیدوار است که بتواند با یک برنامه سوسیال دمکراتیک، کشورش را از بحران نجات دهد. حزب سوسیالیست بلغارستان قصد دارد به بین الملل سوسیالیست پیوند دهد.

## موج خشونت در مصر

درگیری بین بنیاد گریبان اسلامی و نیروهای امنیتی مصر همچنان قربانی می گیرد. دو هفته پیش در یک رشته زد و خورد بین مسلمانان افراطی و پلیس، دو تن از رهبران بزرگترین سازمان مسلح بنیاد گریا و دو نفر دیگر از اعضای این سازمان در درگیری کشته شدند. در این حادثه، دو مأمور پلیس نیز به قتل رسیدند. در یک حادثه دیگر در جنوب مصر، دو عضو گروه جماعت اسلامی که قصد فرار از محاصره پلیس داشتند، به ضرب گلوله پلیس کشته شدند. در ۱۰۰ کیلومتری جنوب قاهره نیز پلیس با یورش به یک خانه، دو فرد مسلح را به قتل رساند. بدین ترتیب از سه سال پیش تا کنون، بیش از ۵۵۰ نفر در مصر طی درگیری های پلیس و بنیاد گریبان کشته شده اند.

## والسایمی خواهد پارلمان لهستان را منحل کند

لخ و السارنایس جمهور لهستان که مدتی است درگیر جنگ قدرت با پارلمان و کابینه این کشور است، پنجشنبه هفته گذشته تهدید کرد پارلمان را که در آن احزاب چپ تشکیل دهنده دولت اکثریت دارند، منحل خواهد کرد. در مقابل، رهبری احزاب چپ، رئیس جمهور لهستان را متهم به تدارک یک کرد تا نمود و گفت وی حق انحلال پارلمان را ندارد. در این مورد، تقریباً همه احزاب لهستان، حتی احزاب اپوزیسیون راست، متفق القولند.

## مخالفت پروتستان های ایرلند شمالی با روند صلح

به دنبال انتشار بخش هایی از توافقی که کارشناسان بریتانیا و جمهوری ایرلند در مورد آینده ایرلند شمالی تهیه کرده اند و مبنای مذاکرات لندن و دابلین در این مورد است، پروتستان های ایرلند شمالی در مخالفت با این توافق، دولت جان میجر نخست وزیر بریتانیا را زیر فشار گذاشته اند. در توافق محرمانه مزبور که قسمت هایی از آن در روزنامه تایمز چاپ شده است، پیش بینی می شود که در کنار بلغاست و دابلین، مراکز ایرلند شمالی و جنوبی، نهاد سومی تشکیل شود و مواردی، نمایندگی کل ایرلند را بر عهده گیرد. چنین نهادی، می تواند هسته وحدت آینده دو بخش ایرلند باشد. پروتستان های ایرلند شمالی که خواهان ادامه تعلق این بخش از ایرلند به بریتانیا هستند، دولت میجر را متهم به فریب دادن اکثریت پروتستان ایرلند شمالی و موافقت پنهانی با وحدت ایرلند کرده اند.

## گردش به راست در مواضع کلیتون

کلیتون رئیس جمهور آمریکا که در دو سال باقی مانده از دوره فعلی ریاست جمهوری این کشور، با اکثریت دست راستی در کنگره سروکار خواهد داشت، در نخستین نطق خود در کنگره جدید، مواضعی مشابه مواضع حزب جمهوریخواه گرفت. وی از جمله قول داد که علیه مهاجرین غیرقانونی اقدام خواهد کرد. کلیتون در سخنرانی خود چندین بار از جمهوریخواهان تقاضای همکاری کرد. در این نطق، از شمار هایی که کلیتون دو سال پیش با تکیه بر آنها به ریاست جمهوری رسید، کمتر نشانی بود. رهبران جمهوریخواه، پس از نطق کلیتون، مواضع جدید رئیس جمهور آمریکا را ستودند و گفتند که کلیتون این مواضع را از جمهوریخواهان به عاریت گرفته است.

## حمله موشکی در کابل قربانی گرفت

علیرغم آتش بسی که از چند هفته پیش در کابل اعلام شده است، حمله موشکی نیروهای گلدین حکمت یار رهبر حزب اسلامی به این شهر، باز هم چندین کشته به جای گذاشت. برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی که دوره ریاست جمهوری او به سر رسیده است، از کناره گیری خودداری می کند و در مقابل، مخالفین به رهبری حکمت یار به جنگ ادامه می دهند. به نظر نمی رسد تلاش های میانجی گرانه مستیری فرستاده تونس سازمان ملل، که بین مفر حکمت یار و کابل با هارفت و آمد کرده است، به نتیجه برسد.

## جنایت جدید تروریست‌ها در الجزایر

### اجلاس سران مصر، فلسطین اردن و اسرائیل در قاهره

مرزها برای آنها به معنای بازماندن از امرار معاش است. رابین نخست وزیر اسرائیل پس از حادثه اخیر گفت این حمله تروریستی نشان می‌دهد که تنها چاره، جدایی کامل مناطق اشغالی و اسرائیل است. یاسر عرفات رئیس حکومت خودمختار فلسطینی، بمب گذاری اخیر را محکوم کرد. هم گروه حماس و هم سازمان جهاد اسلامی که دو جمعیت بنیادگر هستند، مسئولیت واقعه شمال تل آویو را که عامل آن نیز در انفجار کشته شد، بر عهده گرفتند.

موقعیتی که برائیتب گذاری بنیادگرایان از یک سو و اقدامات اسرائیل در گسترش شهرک‌های یهودی نشین در کرانه غربی رود اردن ایجاد شده است، دشواری‌هایی بر سر راه روند صلح ایجاد کرده که رهبران شرکت کننده در اجلاس هفته گذشته قاهره امیدوارند بتوانند با برقراری تماس در عالی‌ترین سطح، آنها را برطرف کنند. فلسطینی‌ها خواهان آنند که مرحله دوم پیش‌بینی شده در قرارداد خودمختاری منعقد شده در سال گذشته، یعنی گسترش مناطق خودمختار، عقب‌نشینی نیروهای ارتش اسرائیل از مناطق تراکم جمعیت در کرانه غربی رود اردن و برگزاری انتخابات با شرکت همه فلسطینی‌ها، به اجرا درآید. اسرائیل، دلایل امنیتی را برای خودداری از فراخواندن نیروهایش بهانه کرده است، و فلسطینی‌ها می‌گویند زیرساخت‌های ارتش اشغالگر نمی‌تواند انتخابات آزاد برگزار کرد. موضوع دیگر مورد اختلاف، بازگشت آوارگان فلسطینی است که از هنگام تأسیس دولت اسرائیل تا کنون ناچار به ترک میهن خود شده‌اند. و بالاخره، اختلاف مهم دیگر به سرنوشت بیت المقدس مربوط می‌شود که فلسطینی‌ها حداقل شرق آن را متعلق به خود می‌دانند اما اسرائیل می‌خواهد کل آن را زیر کنترل خود نگه دارد.

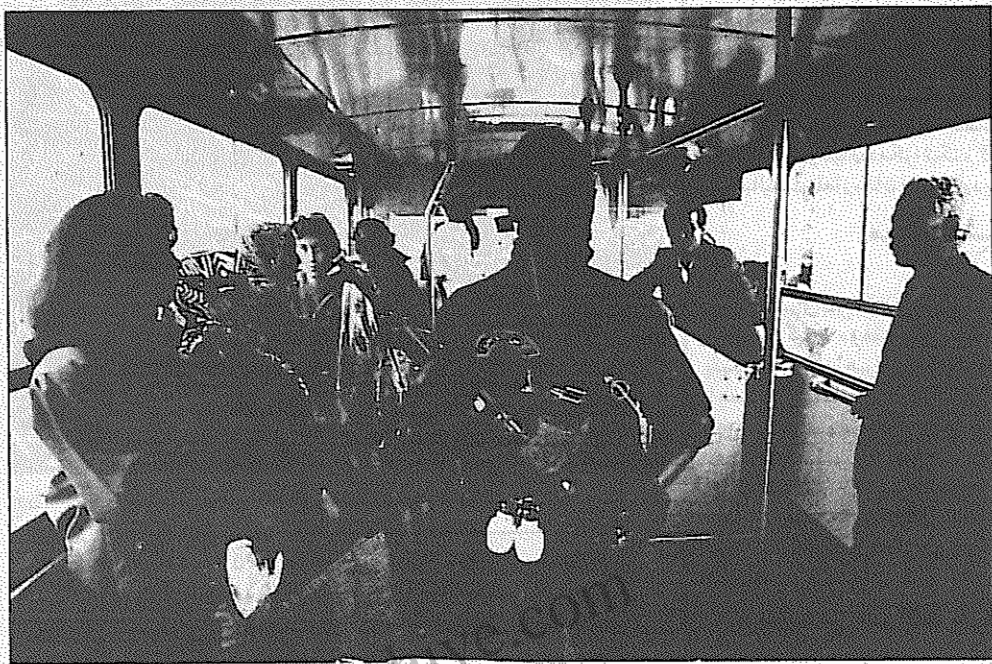
هفته گذشته سران مصر، فلسطین، اردن و اسرائیل در قاهره گرد آمدند تا به روند توقف یافته صلح میان اسرائیل و فلسطینی‌ها، تکان تازه‌ای بدهند. همچنین اعلام شد که این دیدار، هدف زمینه‌سازی برای ادامه تلاش‌ها برای برقراری صلح بین اسرائیل و سوریه را نیز دنبال می‌کند.

در هفته‌های اخیر، عوامل متعدد بر روند صلح بین فلسطین و اسرائیل سایه افکند و مذاکرات را متوقف کرد. نخست، اعلام برنامه‌های جدید اسرائیل برای ساختن ۳۰۰۰ واحد مسکونی جدید در مناطقی از کرانه غربی رود اردن که نزدیک بیت المقدس است، مخالف فلسطینی‌ها و شخص عرفات را برانگیخت. هنوز بحث درباره این موضوع ادامه داشت که در روز یکشنبه دوم بهمن ماه، انفجار دو بمب در شمال تل آویو ۲۱ کشته و بیش از ۵۰ مجروح به جای گذاشت. پس از انفجار اول در یک ایستگاه اتوبوس، گروهی که اکثر آنها را سربازان اسرائیلی تشکیل می‌دادند، قصد کمک به قربانیان را داشتند که بمب دومی در میان آنها منفجر شد.

انفجار دوم، از انفجار اول بسیار نیرومندتر بود و ایستگاه اتوبوس را به کلی ویران کرد. تصاویر جنازه‌های تکه تکه شده در رسانه‌های اسرائیل، صدای کسانی را بلندتر نمود که با روند صلح مخالفتند. طبق یک نظرسنجی که اخیراً توسط روزنامه اسرائیلی ما آریو به عمل آمده است، اکثر اسرائیلی‌ها بنیامین نتانیا هو رهبر بلوک دست راستی لیکود را به اسحاق رابین نخست وزیر فعلی از حزب کارگر ترجیح می‌دهند.

به دنبال انفجار دو بمب در شمال تل آویو، دولت اسرائیل بار دیگر ورود فلسطینی‌های ساکن مناطق اشغالی به اسرائیل را ممنوع کرد. بسیاری از فلسطینی‌های ساکن غزه و کرانه غربی رود اردن، در اسرائیل کار می‌کنند و بسته شدن

در حالیکه بخشی از اپوزیسیون چپ و دموکرات الجزایر پلا تفرم مشترکی برای پایان دادن به جنگ داخلی در الجزایر بنیادگرایان اسلامی به امضاء رسانده است، بسیاری از دیگر احزاب الجزایری با هر گونه گفتگوی بنیادگرایان مخالفت می‌کنند



یک پلیس الجزایری در حال جستجو در یک اتوبوس. پلیس ضد تروریسم الجزایر از ترس انفجار بمب بنیادگرایان تقاب بر چهره زده است.

خود علیه رژیم حاکم خواهند افزود. این دو گروه در بنیامیه‌هایی که در آستانه آغاز ماه رمضان انتشار دادند، از اعضای خود خواستند در ماه رمضان عملیات بیشتری علیه نیروهای دولتی انجام دهند.

شمار قربانیان جنگ داخلی الجزایر که سه سال پیش با لغو انتخابات پارلمان و اعلام ممنوعیت جبهه نجات اسلامی آغاز شد، ۳۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود.

ملی‌گرای الجزایر در بنیامیه مشترکی با "جبهه نجات اسلامی" که در رم انتشار یافت، ضمن محکوم کردن قهر، پلا تفرم مشترکی برای پایان دادن به جنگ داخلی الجزایر اعلام کردند. این طرح بلافاصله مورد مخالفت دولت الجزایر قرار گرفت.

دو گروه مسلح بنیادگرایان که تاکنون شاخه نظامی جبهه نجات اسلامی محسوب می‌شدند، مخالفت خود را با بنیامیه رم اعلام کرده، تأکید کردند که بر شدت مبارزه مسلحانه

دموکراسی خاطر نشان کرد سکوت در برابر بنیادگرایان یا گفتگوی آنها، در خدمت تروریسم است. حزب کمونیست سابق الجزایر نیز تأکید کرد که با "جنایتکاران و خائنین" نباید به گفتگو نشست.

چند روز قبل از انفجار اخیر، ۱۰ هزار نفر در الجزیره دست به تظاهرات علیه قهر زده بودند. شعارهای تظاهرات همچنین علیه هر گونه مذاکره با بنیادگرایان بود. ماه گذشته بخشی از اپوزیسیون چپ و

انفجار بمبی در مرکز شهر الجزیره، حداقل ۴۰ کشته و بیش از ۲۶۰ مجروح به جای گذاشت. دولت الجزایر می‌گوید بمب گذاری اخیر، توسط بنیادگرایان صورت گرفته است. رهبران الجزایر، از جمله رئیس جمهور و نخست وزیر، پس از حادثه اخیر اعلام کردند که عاملان این جنایت را با تمام قوا تعقیب خواهند کرد.

به گفته برخی شاهدان عینی، بمب گذاری در الجزیره توسط یک تروریست انفجاری صورت گرفت. نکته‌ای که این احتمال را تقویت می‌کند، این است که بعید به نظر می‌رسد کسی بتواند در محل انفجار بمب که مقابل ساختمان مرکزی پلیس است، مثلاً از طریق پارک کردن یک اتومبیل، بمبی کار بگذارد.

دولت الجزایر اعلام کرده است که در سال ۱۹۹۵ انتخابات ریاست جمهوری را برگزار خواهد کرد. احتمال می‌رود بمب گذاری اخیر، اقدامی علیه این انتخابات باشد.

بمبی که در ساعات اصلی رفت و آمد در الجزیره منفجر شد، در یک اتومبیل کار گذاشته شده بود. این انفجار از لحاظ تعداد قربانیان، بدترین حمله تروریستی از هنگام آغاز جنگ مسلحانه سه ساله بین بنیادگرایان و دولت الجزایر بوده است. رسانه‌های الجزایر گزارش دادند شدت انفجار به حدی بوده است که مقدار ماده منفجره تی. ان. تی. کار گذاشته شده در اتومبیل، صدها کیلوگرم تخمین زده می‌شود. پس از این انفجار مهیب، ساکنان شهر تا ساعت‌ها از آمدن به خیابان‌ها خودداری می‌کردند.

به دنبال حادثه اخیر، چند حزب الجزایر مخالفت خود را با هر گونه مذاکره با بنیادگرایان اعلام کردند. "جیش متحد برای فرهنگ و

### وضعیت فاجعه بار اهالی گروسی

اعزامی به گروسی گفت ابعاد ویرانی‌ها در گروسی، جنازه‌هایی که در خیابان‌ها پراکنده است، مصائبی که مردم غیرنظامی تحمل می‌کنند، اوراتکان داده است. وی افزود مردمی که در زیرزمین‌های خانه‌ها به سر می‌برند، به دلایل مختلف نمی‌توانند بناگاه‌های خود را ترک کنند. آنها یا آتشدار و بیمار و ضعیف‌اند که یاری حرکت ندارند و یا نمی‌دانند که چگونه باید گروسی را ترک کنند و به کجا بروند.

ژنرال بائیچف فرمانده بخشی از نیروهای روسی مستقر در چچن که پیش از جنگ، تلاش خود را برای جلوگیری از آغاز درگیری به کار برد و حتی چند روز حرکت نیروهای تحت فرمان خود به سوی گروسی را متوقف کرد، در دیدار با ناظران اعزامی از سوی سازمان امنیت و همکاری در اروپا گفت دولت روسیه ۱۵۰ هزار مردم باقی‌مانده در گروسی را به حال خود رها کرده و کمکی به آنها نمی‌کند. بائیچف افزود به عقیده او جنگجویان چچن سلاح‌های خود را به زمین نهد و بمانند گذشت.

یک هیأت ناظران سازمان امنیت و همکاری در اروپا که اخیراً از گروسی مرکز جمهوری چچن دیدار کرده است، اعلام کرد شرایط زندگی در این شهر که کماکان صحنه نبرد بین جدایی‌خواهان چچن و ارتش روسیه است، فاجعه‌بار است. طبق این گزارش، جنگ در گروسی ادامه دارد، مرکز شهر به کلی نابود شده است، و ۱۵۰ هزار نفر اهالی شهر که بعضاً چندین هفته است که به زیرزمین‌ها پناه آورده‌اند، فاقد مهم‌ترین مایحتاج زندگی از قبیل آب، برق و مواد غذایی‌اند. سخنگوی هیأت اروپایی، خواهان برقراری یک آتش‌بس به دلایل انسانی شد تا کمک‌رسانی به مردم میسر شود. این هیأت خاطر نشان کرد که وظیفه خود نمی‌دانند در بحران چچن میانجی‌گری کنند. ناظران اروپایی هر دو طرف درگیر در جنگ چچن را متهم به نقض حقوق بشر کرده و در عین حال تأکید ورزیده‌اند که روسیه با اعمال گسترده قهر، موازین سازمان امنیت و همکاری در اروپا را زیر پا گذاشته است. یک عضو هیأت

جاسوسی فعال هستند که "سیا" و اف‌سی‌ای عمده‌ترین آنها به شمار می‌روند. "سیا" بیش از همه ی این سازمان‌ها زیر ضرب است. مخالفان "سیا" نه فقط افتضاحات مخالفان، که اشتباهات و افتضاحات بزرگ و فراموش‌نشده "سیا" را هم این روزها دوباره به رخ می‌کشند از جمله توطئه‌ی احمقانه‌ی قتل کاسترو، بمب گذاری در ساحل نیکاراگوئه، عدم پیش‌بینی سقوط شاه، گزارش‌های دور از حقیقت درباره‌ی اقتصاد شوروی و بویژه طراحی پیچیده و مخوف قتل‌کنندگی در سال ۱۹۶۳.

در حال مسلم است که این غول ۲۸ میلیارد دلاری و شبکه‌ی عظیم جمع‌آوری اطلاعات امنیتی و جاسوسی که عمدتاً علیه بلوک شرق سازمان یافته بود با فروپاشی آن "اردوگاه" به مرض مهلک بیکاری دچار شده و فساد درونی‌اش مهارناپذیر گردیده است. با این حال به نظر نمی‌رسد که تحول جدی در اوضاع موجود به سادگی امکان‌پذیر باشد. این غول قدرتمند مخوف تودرتو را فقط نیروی برتر از آن به زانو خواهد افکند. نیرویی که در جامعه‌ی آمریکا یعنی چنانکه باید هنوز خود را بازنیاخته است.

### با "سیا" یا بدون آن؟

می‌سازد، مثل بنیادگرایان اسلامی، تروریسم، قاچاق و دزدی سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک، هسته‌ای و کارهای دیگر از این قبیل. این عده می‌گویند گرچه رخنه‌ی فساد و نقض مدبران نالایق به حیثیت این سازمان لطمه زده است اما اینها هیچ کدام ضرورت وجودی آن را از بین نبرده زیرا هنوز هم هیچ کاری جای نفوذ مستقیم در صفوف دشمن و جاسوسی مستقیم را نمی‌گیرد. حامیان بقای "سیا" به همین شکل موجود سه وظیفه را در مقابل آن قرار می‌دهند: ۱- کسب و جمع‌آوری اطلاعات در مورد مسایل حیاتی، تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده و نتیجه‌گیری از آنها در مورد مسایل امنیتی، ۲- در صورت ناچاری کمک به اجرای اهداف سیاست خارجی از طریق غیردیپلماتیک. هم‌اکنون در آمریکا ۱۳ سازمان در جمع‌آوری اطلاعات امنیتی و

برچیده شود و بودجه هنگفت ۲۸ میلیارد دلاری آن به کارهای دیگر اختصاص یابد. آنها می‌گویند ۸۵ درصد از بودجه "سیا" که صرف به دست آوردن اطلاعات نظامی می‌شود به پنتاگون منتقل شود و کسانی که در اقصی نقاط دنیا بویژه محققان دانشگاه‌ها که کارگردآوری اطلاعات سیاسی و اقتصادی را دنبال می‌کنند لزومی ندارد به "سیا" مربوط باشند. آنها می‌گویند فساد موجود در این سازمان به علت نوع کار و خصلت فوق‌بنیانی آن سازمان است. لذا برچیدن آن و انتقال برخی از وظایف باقی‌مانده‌اش به سازمان‌های کنترل‌پذیر تنها چاره است. عده‌ای دیگر اصرار دارند که "سیا" با همین سازمان عریض و طویلش حفظ شود زیرا گرچه آن اتحاد شوروی دیگر وجود ندارد اما اولاً خطر احیای آن منتفی نیست، ثانیاً مخاطرات جدی دیگری وجود دارد که ادامه‌ی کاری "سیا" را ضروری

این روزها "سیا" اوقات تلخی را می‌گذراند. پس از لغو جاسوس دیگری که سالها برای شوروی‌ها کار می‌کرده است، رئیس آن جیمز وولز سلی در اختلاف نظر با کلیتون چندی قبل استعفا داد و مطبوعات و دیگر رسانه‌های آمریکا مدام از بلا تکلیفی در مورد سرنوشت این غول خبر می‌دهند.

این سازمان عریض و طویل، قدرتمند و مخوف در واقع در ابتدا تشکیل شده بود که چشم و گوش رئیس جمهور باشد و برای سیاست گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها اطلاعات ضروری را در اختیار قرار دهد. اما در تمام طول جنگ سرد روسای جمهور آمریکا همگی خود مقهور "سیا" بوده‌اند. تنها کندی بود که خواست مستقل عمل کند و درست به همین دلیل نقشه‌ی قتلش را "سیا" ریخت و به دستور رئیس وقت و رئیس قبلی آن به اجرا گذاشته شد. اما پس از پایان جنگ سرد و تلاش شوروی ظاهراً این جبهه عظیم پرخرج، سؤال در مورد سرنوشت خود را در برابر جامعه آمریکایی قرار داده است. در این مورد دو نظریه وجود دارد: یک‌عده‌ای می‌گویند ضرورت وجودی این سازمان دیگر منتفی است و باید